



www.
www.
www.
www.

Ghaemiyeh

.com
.org
.net
.ir

مقداد بن اسود

در بخار الانوار

دَلِيلُ الْمُهَاجِرِ

سید مجید تبوی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

حضرت مقداد بن اسود رضی الله عنه در بحار الانوار

نویسنده:

سید مجید نبوی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	-----	فهرست
۸	-----	حضرت مقداد بن اسود رضی الله عنہ در بحار الانوار
۸	-----	مشخصات کتاب
۸	-----	مقدمه
۱۱	-----	فضائل سلمان و أبي ذر و مقداد و عمار رضي الله عنهم أجمعين
۱۱	-----	الأخبار
۱۱	-----	» ۱۱ سوالات رسول خدا صلی الله علیه و آلہ از ابوذر و سلمان و مقداد
۱۷	-----	» ۱۷ شهادت اصحاب به دوستی و برادری و ولایت علی علیه السلام
۱۸	-----	» ۱۸ امر خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آلہ بر دوستی مقداد
۱۹	-----	» ۱۹ وفاداری مقداد بر عمل به آیه مودت
۲۱	-----	» ۲۱ آیات ۲ تا ۴ از سوره انفال در شأن حضرت مقداد
۲۱	-----	» ۲۱ آیه ۱۰۷ سوره کهف در شأن حضرت مقداد
۲۲	-----	» ۲۲ امر خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آلہ بر دوستی مقداد
۲۲	-----	» ۲۲ امر خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آلہ بر دوستی مقداد
۲۴	-----	» ۲۴ دوست داشتن مقداد واجب است (امام صادق علیه السلام)
۲۵	-----	» ۲۵ دوست داشتن مقداد واجب است (امام رضا علیه السلام)
۲۵	-----	» ۲۵ زمین به خاطر هفت نفر خلق شده است یکی از آنها مقداد است
۲۶	-----	» ۲۶ امر خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آلہ بر دوستی مقداد
۲۶	-----	» ۲۶ مقداد از پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار
۲۶	-----	» ۲۶ سلمان و مقداد دو برادرند
۳۰	-----	» ۳۰ علی علیه السلام فرمود تنها چهار کس به من جواب دادند: سلمان، عمار، مقداد و أبوذر.
۳۱	-----	» ۳۱ نماز خواندن مقداد بر بدن رسول خدا صلی الله علیه و آلہ

۳۷» با علیه السلام تنها سلمان، ابوذر، مقداد و زبیر باقی ماندند

۳۲

۳۹» شیعه امیرالمؤمنین فقط حسن، حسین، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و محمد بن أبي بکر بودند

۳۳

۴۳» بهشت مشتاق مقداد است

۳۴

۴۴» ابوذر، سلمان و مقداد هیچ شکی در آنها داخل نشده

۳۵

بیان

۳۶

۴۵» بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آلہ تنها مقداد، ابوذر و سلمان فارسی مرتد نشدند

۳۷

۴۶» همه مردم مرتد شدند جز چهار نفر؛ علی، مقداد، سلمان و ابوذر

۳۸

۴۷» خداوند به پیامبر وحی فرموده است که چهار نفر را دوست بدارد؛ علی، ابوذر، سلمان و مقداد.

۳۹

۵۲» مقداد در درجه هشتم ایمان

۴۰

۵۶» پاداشی بی منت برای مقداد

۴۱

۵۷» زمین به خاطر هفت نفر خلق شده است یکی از آنها مقداد

۴۲

۵۸» امر خداوند به محبت ۴ نفر از جمله مقداد

۴۳

۵۹» امر خداوند به محبت ۴ نفر از جمله مقداد

۴۴

۶۰» بهشت مشتاق مقداد است

۴۵

۶۱» امر خداوند به محبت ۴ نفر از جمله مقداد

۴۶

۶۳» مقداد از ماست. خدا با هر کس که دشمن او باشد دشمن است

۴۷

۶۶» سوره محمد آیه ۳ در مورد أبوذر، سلمان، مقداد و عمار که عهد و پیمان را نشکستن نازل شده است

۴۸

۷۵» مقداد در پله هشتم از ایمان

۴۹

۷۶» همه مردم پس از رحلت پیامبر مرتد شدند جز مقداد و ابوذر و سلمان

۵۰

۷۷» زمین گنجایش و تحمل عظمت هفت نفر را ندارد از جمله مقداد

۵۱

۷۹» گفتار مقداد هنگام دیدن امیرالمؤمنین با دست های بسته

۵۲

۸۰» همه مردم جز سه نفر ابوذر، سلمان و مقداد مرتد شدند

۵۳

بیان

۵۴

۸۱» مقدوده همسر بهشتی مقداد

۵۵

۸۲» امر خداوند به محبت ۴ نفر از جمله مقداد

۵۶

۸۳» ای مقداد! اگر صبر تو بر سلمان عرضه شود سلمان کافر می شود.

۵۸	فضائل مقداد رضی الله عنہ
۵۸	الأخبار
۵۸	۱- تزویج مقداد بن اسود توسط پیامبر صلی الله علیه و آله
۶۰	۲- تزویج مقداد بن اسود توسط پیامبر صلی الله علیه و آله
۶۰	۳- پیغام مقداد برای عثمان هنگام وفات
۶۱	بیان
۶۱	۴- اسم و کنیه مقداد
۶۱	بیان
۶۲	۵- دعای حضرت علی علیه السلام برای مقداد
۶۴	۶- جایگاه مقداد بن اسود در این امت
۶۵	بیان
۶۵	۷- قلب مقداد بن اسود در ایمان ماند پاره های آهن بود
۶۵	۸- مقداد! اگر علم تو را بر سلمان عرضه کنند به یقین کافر خواهد شد
۶۶	۹- همه صحابه بعد از رسول خدا مرتد شدند جز سه نفر: سلمان، ابوذر و مقداد
۶۷	بیان
۶۷	انکار مقداد
۶۸	کتابنامه
۷۳	درباره مرکز

حضرت مقداد بن اسود رضی الله عنہ در بحار الانوار

مشخصات کتاب

حضرت مقداد بن اسود رضی الله عنہ در بحار الانوار

مؤلف : سید مجید نبوی

زبان: فارسی

تعداد صفحات: ۶۱ ص

شهر: اصفهان

توضیح:

بیان احوالات حضرت مقداد بن اسود رضی الله عنہ در کتاب بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار نوشته علامه مجلسی رضوان الله تعالیٰ علیہ

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: ۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

به دنبال نذری که برای رفع مشگلی کرده بودم مبنی بر تالیف نوشتاری در توصیف صحابه‌ی خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله و یار و فادر مولا علی علیه السلام جناب حضرت مقداد بن اسود، کتاب‌های مختلفی در باب حضرت مقداد رضی الله عنہ دیدم . در آن میان بحار الانوار علامه مجلسی رضوان الله تعالیٰ علیہ که دارای سه بخش :

۱. گلچین باب ۱۰ فضائل سلمان و أبي ذر و مقداد و عمار رضی الله عنهم أجمعین و فيه فضائل بعض أکابر الصحابه در جلد ۲۲ صفحه ۳۱۵

۲. باب ۱۳ أحوال مقداد رضی الله عنہ و ما يخصه من الفضائل و فيه فضائل بعض الصحابه در جلد ۲۲ صفحه ۴۳۸

۳. نکیر المقداد جلد ۳۱ صفحه ۲۷۸

در ارتباط با ایشان بود نظرم را جلب کرد و از آنجایی که در بقیه‌ی نوشتہ‌ها نوعاً از همین روایات استفاده شده است و به

بیان فضائل ایشان پرداخته اند، بر آن شدم تا عین مطالب را با ترجمه بیاورم، ضمن آن که مرحوم علامه مجلسی علیه الرحمه قسمت هایی که نیاز به توضیح داشته است را با عنوان «بیان» به توضیح آن پرداخته است .

ص: ۱

در قسمت «فضائل سلمان و أبي ذر و مقداد و عمار رضى الله عنهم أجمعين و فيه فضائل بعض أكابر الصحابة» اگر در شماره روایات ترتیبی نمی بیند بخاطر آن است که صرفا به روایاتی که نام مقداد در آن ها بوده است اکتفا شده است و برای اینکه شماره روایت با اصل کتاب بحار الانوار همخوانی داشته باشد آورده ایم.

در پایان این نوشتار با استفاده از سایت کتابخانه ملی تعدادی کتاب با عنوان «كتابنامه» ذکر کرده ایم.

امید دارم حضرت مقداد رضوان الله تعالى عليه و دیگر صحابه‌ی راستین که در این نوشتار از آنان یاد شده است این نوشه را از ما قبول فرمایند و نزد مولایمان حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام شفاعت ما را بفرمایند.

شوال المکرم ۱۴۴۲ برابر با خرداد ۱۴۰۰

سید مجید نبوی

ص: ۲

﴿١﴾ سوالات رسول خدا صلی الله علیه و آله از ابوذر و سلمان و مقداد

كتاب الطرف، للسيد علي بن طاوس نقلًا من كتاب الوصي ليعسى بن المستفاد عن موسى بن جعفر عن أبيه عليهم السلام قال:

دعا رسول الله صلى الله عليه و آله أبا ذر و سلمان و المقداد فقال لهم تعرفون شرائع الإسلام و شروطه قالوا نعرف ما عرفنا الله و رسوله فقال هي و الله أكثر من أن تخصي أشهدوني ﴿١﴾ على أنفسكم و كفى بالله شهيدا و ملائكته عليكم شهود بشهاده أن لا إله إلا الله مخلصا لا شريك له في سلطانه و لا نظير له في ملكيه و أنى رسول الله بعشى بالحق و أن القرآن إمام من الله و حكم عدل و أن القبلة قبلتى ﴿٢﴾ شطر المسجد الحرام لكم قبله و أن علي بن أبي طالب عليهما السلام

ص: ٣

١- في المصدر: اشهدوا.

٢- في المصدر: و ان قبلتى.

وَصِصُّيْ مُحَمَّدٌ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (١) وَمَوْلَاهُمْ وَأَنَّ حَقَّهُ مِنَ اللَّهِ مَفْرُوضٌ وَاجِبٌ وَطَاعَتْهُ طَاعَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِهِ وَأَنَّ مَوَدَّهُ أَهْلِ بَيْتِي (٢) مَفْرُوضَهُ وَاجِبُهُ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَهُ مَعَ إِقامَهُ الصَّلَاةِ لِوقْتِهَا وَإِخْرَاجِ الزَّكَاهُ مِنْ حِلْهَا وَوَضْعُهَا فِي أَهْلِهَا وَإِخْرَاجِ الْخُمُسِ مِنْ كُلِّ مَا يَمْلِكُهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ حَتَّى يَرْفَعَهُ إِلَى وَلَيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَأَمِيرِهِمْ وَبَعْدِهِ إِلَى وُلْدِهِ (٣) كُمْ عَجَزَ وَلَمْ يَقْسِدِ إِلَّا عَلَى الْيَسِيَّةِ يَرِي مِنَ الْمَالِ فَلَيَدْفَعَ ذَلِكَ إِلَى الْضُّعَفَاءِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ وُلْدِ الْأَئِمَّهِ فَإِنْ لَمْ يَقْسِدِ فَلَشَّيَعَهُمْ مِمَّنْ لَا يَأْكُلُ بِهِمُ النَّاسُ وَلَمَّا يُرِيدُ بِهِمْ إِلَى اللَّهِ وَمَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ مِنْ حَقٍّ وَالْعِدْلُ فِي الرَّعِيَّهِ وَالْقُسْمِ بِالسَّوِيَّهِ وَالْقُولِ بِالْحَقِّ وَأَنْ يُحَكُّمَ بِالْكِتَابِ عَلَى مَا عَمِلَ عَلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْفَرَائِصِ (٤) عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَأَحْكَامِهِ وَإِطْعَامِ الطَّعَامِ عَلَى حُجَّهِ وَحِجَّجِ الْبَيْتِ - وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَغُشْلِ الْجَنَابَهِ وَالْوُضُوءِ الْكَاملِ عَلَى الْيَدِيْنِ وَالْوَجْهِ وَالْدُّرَاعَيْنِ إِلَى الْمَرَاقِقِ وَالْمَسْحِ عَلَى الرَّأْسِ وَالْقَدْمَيْنِ إِلَى الْكَعْيَيْنِ لَا عَلَى خُفٍّ وَلَا عَلَى خِمَارٍ وَلَا عَلَى عِمَامَهِ وَالْحُبُّ لِأَهْلِ بَيْتِي فِي اللَّهِ وَحُبُّ شَيَعَهُمْ لَهُمْ وَالْبُغْضُ لِأَعْيَادِهِمْ وَبَعْضُ مَنْ وَالآهِمْ (٥) وَالْعِيَادَوَهُ فِي اللَّهِ وَلَهُ وَالْإِيمَانِ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَحُلُوهُ وَمُرُوهُ وَعَلَى أَنْ يُحَلِّلُوا (٦) حَلَالَ الْقُرْآنِ وَيُحَرِّمُوا حَرَامَهُ وَيَعْمَلُوا بِالْأَحْكَامِ وَيَرْدُو الْمُتَسَابِهِ إِلَى أَهْلِهِ فَمَنْ عَمِيَ عَلَيْهِ مِنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ لَمْ يَكُنْ عَلِمَهُ مِنْهُ وَلَا سَمِعَهُ فَعَلَيْهِ بَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَإِنَّهُ

ص: ٤

- ١- في المصدر: أمير المؤمنين ولـي المؤمنين.
- ٢- في المصدر: أهل بيته.
- ٣- في المصدر: حتى يدفعه إلى ولـي المؤمنين وـ Amirهم وـ من بعدهـ من ولـدهـ.
- ٤- والفرائض خـ لـ.
- ٥- في المصدر: وـ حـبـ منـ والـاهـمـ.
- ٦- في المصدر: (ان تحلـلـوا) بصـيـغـهـ الخطـابـ وـ كـذـاـ فـيـماـ بـعـدـهـ.

قد عَلِمَ كَمَا قَدْ عَلِمْتُهُ (١) ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ وَمُحْكَمَهُ وَمُسْتَشَابَهُ وَهُوَ يُقَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِهِ كَمَا قَاتَلَتْ (٢) عَلَى تَنْزِيلِهِ وَمُوا لَاهُ أُولَاهُ اللَّهُ مُحَمَّدٌ وَذُرِّيَّتَهُ الْأَئِمَّهُ خَاصَّهُ (٣) وَيَتَوَالَى مِنْ وَالاَهُمْ وَشَائِعَهُمْ وَالْبَرَاءَهُ وَالْعَدَاوَهُ لِمَنْ عَادَهُمْ وَشَاقَّهُمْ كَعَدَّاوهُ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ وَالْبَرَاءَهُ مِنْ شَائِعَهُمْ وَتَابَعَهُمْ وَالاَسْتِقَامَهُ عَلَى طَرِيقَهِ الْإِمَامَ وَاعْلَمُوا أَنِّي لَا أَقْدِمُ عَلَى عَلَيٍّ أَحِيدًا فَمَنْ تَقَدَّمَهُ فَهُوَ ظَالِمٌ وَالْبَيْعَهُ بَعْيَدِي لِغَيْرِهِ ضَمَالَهُ وَفَلَتَهُ وَذِلَّهُ الْأَوَّلِ ثُمَّ الثَّانِي ثُمَّ الْثَالِثِ وَوَلِيلُ لِلرَّابِعِ ثُمَّ الْوَلِيلُ لَهُ وَوَلِيلُ لَهُ وَلَأِيَّهُ مَعَ وَلِيلِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَهُ وَوَلِيلُ لَهُمَا وَلِأَصْحَابِهِمَا (٤) لَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمَا فَهَذِهِ شُرُوطُ الْإِسْلَامِ وَمَا بَقِيَ أَكْثَرُ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَقَبِلْنَا وَصَدَقْنَا وَنَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَنَشَهُدُ لَكَ عَلَى أَنْفُسِنَا بِالرِّضَا يَهُ أَبْدَأَ حَتَّى نَقْدَمَ عَلَيْكَ آمِنًا بِسِرْهُمْ وَعَلَانِيَّهُمْ وَرَضِيَّنَا بِهِمْ أَئِمَّهُ وَهُدَاهُ وَمَوَالِيَ قَالَ وَأَنَا مَعَكُمْ شَهِيدٌ ثُمَّ قَالَ نَعَمْ وَتَشَهُدُونَ أَنَّ الْجَنَّهَ حَقٌّ وَهِيَ مُحَرَّمَهُ عَلَى الْخَلْمَاتِ حَتَّى أَدْخُلَهَا قَالُوا نَعَمْ قَالَ وَتَشَهُدُونَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَهِيَ مُحَرَّمَهُ عَلَى الْكَافِرِينَ حَتَّى يَدْخُلَهَا أَعْدَاءُ أَهْلِ بَيْتِي وَالنَّاصِبُونَ لَهُمْ حَرْبًا وَعَدَاوَهُ وَلَا عِنْهُمْ وَمُبْغَضُهُمْ وَقَاتِلُهُمْ (٥) كَمِنْ لَعْنَتِي أَوْ أَبْعَضَنِي أَوْ قَاتَلَنِي وَهُمْ فِي النَّارِ قَالُوا شَهِدْنَا وَعَلَى ذَلِكَ أَقْرَرْنَا قَالَ وَتَشَهُدُونَ أَنَّ عَلَيَا صَاحِبُ حَوْضِي وَالْذَّائِدُ عَنْهُ وَهُوَ قَسِيمُ النَّارِ يَقُولُ (٦) ذَلِكَ لَكَ فَاقْبِضْهُ (٧) ذَمِيمًا وَهَذَا لِي فَلَا تَقْرِبْنَهُ فَيُنْجِو سَلِيمًا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى ذَلِكَ وَنُؤْمِنُ بِهِ قَالَ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ شَهِيدُ (٨).

كتاب الطرف سيد على بن طاووس: امام

ص: ٥

- ١- في المصدر: كل ما قد علمته.
- ٢- في المصدر: كما قاتل على تنزيله.
- ٣- في المصدر: والأئمّه خاصّه.
- ٤- في المصدر: ولصحابهما.
- ٥- في المصدر: وإن لاعنيهم وبغضهم وقاتلهم.
- ٦- أى يقول للنار.
- ٧- في المصدر: فاقبضيه. وفيه، فلا تقريره.
- ٨- الطرف: ١١-١٣.

موسى کاظم عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوزدر، سلمان و مقداد را فراخواند و به آنها فرمود: احکام و شروط اسلام را می‌دانید؟ گفتند: آنچه خدا و رسولش به ما آموخته اند می‌دانیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا قسم این احکام و شروط بیش از آن است که شمرده شود. مرا بر خودتان گواه بگیرید. همین بس که خدا گواه است و ملائکه نیز بر شما شاهد هستند. حالصانه شهادت دهید که خدایی جز خدای یگانه نیست. در حیطه قدرتش شریک و مانندی ندارد. گواهی دهید که من رسول خدا هستم و مرا به حق برانگیخت و اینکه قرآن، امامی است از سوی خدا و حکمی عادلانه است و اینکه قبله من به سوی مسجدالحرام قبله شمامت و اینکه علی بن أبي طالب عليه السلام جانشین محمد و امیر مؤمنان و مولای آنهاست و اینکه حق او از سوی خدا واجب و طاعت‌نش طاعت خدا و رسول خدادست و اینکه امامان از نسل او هستند و اینکه محبت اهل بیت بر هر مرد و زن مومنی واجب است. و از دیگر احکام اسلام اقامه نماز در وقتی، بیرون کشیدن زکات از موارد آن و اختصاص دادن زکات به اهلهش، اعطای خمس توسط هر یک از افراد جامعه به ولی امر مسلمین و امیر آنان و بعد از او به فرزندانش - سادات - و هر کس توانست تنها مقدار اندکی از مال را پردازد آن را باید به فقرای از فرزندان اهل بیت علیهم السلام - سادات - بدهد و اگر نتوانست - آنان

را نیافت - به شیعه آنان بدهد که مردم به آنان کمک نمی‌کنند و در این زمینه فقط خدا و حقی که من بر گردن آنان دارم را اراده نماید، و برقراری عدالت در میان مردم، تقسیم عادلانه، سخن حق گفتن، فتوا دادن درباره کتاب خدا بر اساس رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام، فتوا دادن احکام بر اساس کتاب خدا و احکام آن، اطعام دادن به فقیر با وجود نیازمند بودن خود، حج خانه خدا، جهاد در راه خدا، روزه در ماه رمضان، غسل جنابت، وضوی کامل یعنی شستن صورت و دست‌ها از آرنج تا سر انگشتان و مسح جلوی سر و روی پاهای تا برآمدگی پشت پا. بدایید مسح کشیدن بر کفش، مقنه و عمامه صحیح نیست. و محبت اهل بیتم به خاطر خدا و محبت شیعیان او و دشمنی با دشمنان آنها و دشمنی با کسانی که با دشمنان اهل بیت دوستی می‌کنند و دشمنی با آنها باید به خاطر خدا و برای او باشد. از دیگر شروط ایمان، ایمان به قضا و قدر چه خیر باشد و چه شر، چه شیرین باشد و چه تلخ. از دیگر شروط: حلال قرآن را حلال و حرام آن را حرام شمرید، به احکام آن عمل کنید و آیات متشابه را به اهلش ارجاع دهید. هر کس با نیاموختن از من و نشنیدن از من نسبت به علمی از قرآن آگاهی نداشت پس به علی بن ابی طالب علیه السلام مراجعه کند زیرا او نیز همانند من ظاهر و باطن و محکم و متشابه آیات قرآن را می‌داند. او در راه تأویل آیات قرآن پیکار

می کند همان گونه که من در راه تنزیل آن جنگیدم. و دوستی با اولیای خدا محمد و نسل او ائمه اطهار و دوستی کردن با کسی که آنها را دوست می دارد و از آنها پیروی می کند و دشمنی با کسانی که با آنها دشمنی می کند مانند دشمنی شیطان رانده شده، و بیزاری جستن از کسانی که با آن دشمنان دوستی می کند و از آنها تعیت می نماید، و پایداری در راه امام نیز از شروط اسلام است. بدانید که من کسی را برعلى علیه السلام مقدم نمی دارم و هر کس که خود را بر او پیش بیاندازد ظالم است و بیعت بعد از من با غیر او ضلالت و بیهوده و گمراهی است یعنی اولی و دومی و سومی و وای بر چهارمی، وای بر او و وای بر او و وای بر پدرش و وای بر کسان پیش از او و وای بر آن دو و یاران آن دو. خدا آن دو را نبخاید. اینها شروط اسلام است و شروط باقی مانده زیاد است. آنها گفتند: شنیدم، اطاعت کردیم، پذیرفتیم، تصدیق نمودیم و ما به آن شروط اقرار می کنیم. ما برای خود تو را گواه می گیریم که او را بپذیریم تا اینکه بر تو وارد شویم. به خفاء و آشکار آنها ایمان آوردیم. و بر آنها که امام و هدایت گر و سرپرست ما هستند راضی شدیم. پیامبر فرمود: من بر شما گواه هستم. سپس فرمود: بله. و شهادت دهید که بهشت حق است و تا زمانی که در آن وارد نشده ام بر مردمان دیگر

حرام است. آنها گفتند: بله تصدیق می کنیم. پیامبر فرمود: شهادت دهید که آتش دوزخ حق است و تازمانی که دشمنان اهل بیتم و کسانی که برای آنها جنگ و دشمنی را به پا کرده اند در آن وارد نشده اند بر کافران حرام است. کسانی که اهل بیتم را لعن و نفرین می کنند و با آنها به دشمنی و پیکار می پردازند مانند کسی که به من لعن بفرستد یا با من دشمنی و پیکار کند و آنها در آتش دوزخ جای دارند.

آنان گفتند: ما شهادت دادیم و به آن اقرار کردیم. پیامبر فرمود: و گواهی می دهید که علی علیه السلام صاحب حوض من (حوض کوثر) و حامی آن و تقسیم کننده آتش است، می گوید: آن برای توست او را بگیر که مذمت شده است، و این برای من است پس به او نزدیک مشو، پس سالم نجات می یابد؟ گفتند: ما بر آن شهادت دادیم و به او ایمان آوردیم. پیامبر فرمود: و من بر آن گواهم.

۳) شهادت اصحاب به دوستی و برادری و ولایت علی علیه السلام

لی، الْأَمَالِي لِلصَّدُوق أَبِي عَنْ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَيْلَمَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الشَّقَفِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبَّاسِيِّ عَنْ مُهَلَّلِ الْعَبَّاسِيِّ عَنْ كَرِيزَةَ بْنِ صَالِحِ الْهَبْرِيِّ عَنْ أَبِي ذَرٍّ جُنَاحَبِ بْنِ جُنَاحَدَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَيَمْعُثُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيٍّ كَلِمَاتٍ ثَلَاثَ (ثَلَاثَةً) لَأَنَّ تَكُونَ لِي وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا سَيَمْعُثُ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَعْنِهُ وَاسْتَعِنْ بِهِ اللَّهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ وَأَخُو رَسُولِكَ ثُمَّ قَالَ أَبُو ذَرٍّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَشْهَدُ لِعَلِيٍّ بِالْوَلَاءِ وَالْإِخَاءِ

وَالْوَصِّيَّةِ قَالَ كَرِيزَهُ بْنُ صَالِحٍ وَكَانَ يَسْهُدُ لَهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَالْمِقْدَادُ وَعَمَّارُ وَجَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ وَأَبُو الْهَيْشَمِ بْنُ الشَّهْيَانِ وَخُزَيْمَهُ بْنُ شَابِتٍ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَأَبْيَوْ أَيُّوبَ صَاحِبِ مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهَيَاشِمُ بْنُ عَتْبَةِ الْمِرْقَالِ كُلُّهُمْ مِنْ أَفَاضِلِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۱).

امالی صدقه: ابوذر، جندب بن جناده، رضی الله عنہ نقل کرد که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: برای علی علیه السلام سه جمله است که هر یک از آن سه جمله نزد من از دنیا و آنچه که در آن است دوست داشتنی تراست. از ایشان شنیدم که می فرمود: خدایا او را یاری کن و از او یاری بخواه. خدایا او را پیروز گردن و با او پیروز شو. او بنده تو و برادر پیامبر توست. سپس ابوذر رحمه الله گفت: به دوستی، برادری و ولایت علی علیه السلام شهادت می دهم. کریزه بن صالح گفت: سلمان فارسی، مقداد، عمار، جابر بن عبدالله انصاری، ابوالهیشم بن تیهان، خزیمه بن ثابت ملقب به ذوالشهادتین، ابوایوب صاحب خانه رسول خدا و هاشم بن عتبه بن ابی وقار ملقب به مرقال که همگی از بزرگ ترین صحابه رسول خدا بودند مانند ابوذر برای علی علیه السلام شهادت دادند.

«۱۰» امر خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دوستی مقداد

ب، قرب الإسناد السُّنْدِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَيْفِوَانَ الْجَمَالِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمْرَنِي بِحُبٍ أَزْبَعَهِ قَالُوا مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ

صف: ۱۰

۱- امالی الصدقه: ۳۲ و ۳۳.

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْهُمْ ثُمَّ سَيَكَتْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ تَعَالَى أَمْرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعِهِ قَالُوا مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَأَبُو ذَرٍ الْغَفَارِيُّ وَسَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ^(١).

قرب الإسناد: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی مرا به محبت چهار شخص امر کرد. گفتند: ای رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمود: علی بن ابی طالب یکی از آنهاست. سپس سکوت کردند. بار دیگر فرمود: خداوند تبارک و تعالی مرا به محبت چهار شخص امر نمود. گفتند: ای رسول الله! آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: علی بن ابی طالب، مقداد بن اسود، ابوذر غفاری و سلمان فارسی.

۱۱) وفاداری مقداد بر عمل به آیه مودت

ب، قرب الإسناد هارون عن ابن صدقة عن جعفر عن أبيه عليهم السلام أنه لما نزلت هذه الآية على رسول الله صلی الله علیه و آله قُلْ لَا أَشْيَأُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةِ فِي الْقُرْبَى^(٢) قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ فَرَضَ لِي عَلَيْكُمْ فَرْضًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُؤْدُوهُ قَالَ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْهُمْ فَانصَرَفَ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعُدُّ قَامَ فِيهِمْ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ فَلَمْ يَتَكَلَّمْ أَحَدٌ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ لَا مَطْعَمٌ وَ لَا مَشْرَبٌ قَالُوا فَأَلْقِهِ إِذْنَنِي قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيَّ قُلْ لَا أَشْيَأُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةِ فِي الْقُرْبَى فَقَالُوا أَمَّا هَذِهِ فَنَعَمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ فَوَاللَّهِ مَا وَفَى بِهَا إِلَّا سَبَعُهُ

ص: ۱۱

۱- قرب الإسناد: ۲۷.

۲- الشورى: ۲۳.

نَفَرٌ سَلْمَانٌ وَأَبُو ذَرٌ وَعَمَّارٌ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيُّ وَجَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ وَمَوْلَى لِرَسُولِ اللَّهِ يُقَالُ لَهُ الثَّبِيتُ وَزَيْدُ بْنُ أَرْقَمَ (۱).

قرب الإسناد: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: وقتی این آیه بر پیامبر نازل شد «قُل لَا أَشَأْلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى» - شوری / ۲۳ -

{بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی درباره خویشاوندان} حضرت در مقابل مردم ایستاد و فرمود: ای مردم! خدا بر عهده شما چیزی را برای من (به عنوان اجر رسالت) قرار داده و واجب کرده آیا حاضرید آن را ادا کنید و پرداید؟ گفت: هیچ کس از میان آنها پاسخی نداد. پیامبر هم منصرف شد و رفت. روز بعد هم این مسئله تکرار شد. ولی باز پیامبر از کسی جوابی نشنید. روز سوم هم همین طور تا این که پیامبر فرمود: ای مردم! این چیزی که از شما خواسته شده (به عنوان اجر من) طلا و نقره یا خوردنی و آشامیدنی نیست. گفتند: پس بفرمایید آن چیست؟ پیامبر فرمود: خدای تبارک و تعالی این آیه را بر من نازل کرده است. «قُل لَا أَشَأْلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى» گفتند: اگر این است حاضریم ادا کنیم. در ادامه امام صادق عليه السلام فرمود: به خدا قسم کسی به این وعده وفا نکرد جز هفت نفر: سلمان، أبوذر، عمار، مقداد بن اسود کندي، جابر بن عبد الله انصاري و یک غلام آزاد شده پیامبر معروف به ثبیت و زید بن ارقام.

ختص، الإختصاص جعفر بن الحسين عن محمد الحميري عن أبيه

ص: ۱۲

۱- قرب الإسناد: ۳۸.

عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الْحَسِنِ الْتَّيْمِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِثْلُهُ (١).

الاختصاص: نظریه این حدیث را روایت کرده است.

۱۴» آیات ۲ تا ۴ از سوره انفال در شأن حضرت مقداد

فَسَ، تَفْسِيرُ الْقَمِيِّ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ إِلَى قَوْلِهِ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ
 (٢) فَإِنَّهَا نَزَّلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَأَبِي ذَرٍّ وَسَلْمَانَ وَالْمُقْدَادِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (٣).

تفسير على بن ابراهيم: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلَيِّنَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادُهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُقْيِمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»

- ۴-۲ / انفال -

{مؤمنان همان کسانی اند که چون خدا یاد شود دل هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می کنند. آنها همان کسانی هستند که نماز را به پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند. آنان هستند که حقاً مؤمنند و برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.} این آیه در مورد امیر المؤمنین علیه السلام، ابوذر، سلمان و مقداد نازل شده است.

۱۷ آه ۱۰۷ سوره کهف در شان حضرت مقداد

فَسَ، تَفْسِيرُ الْقَمِيِّ جَعْفُرُ بْنُ أَحْمَدَ (٤) عَنْ عَبْيَدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلَىٰ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصَّةِ يَرْ عَنْ أَبِي عَبْيَدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا قَالَ هَيْدَهُ نَزَلَتْ فِي أَبِي ذَرٍ وَالْمِقْدَادِ وَسَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَعَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا مَأْوَى

١٣:

- ١- الاختصاص: .٦٣
 - ٢- الأئفاف: .٤ - ٢
 - ٣- تفسير القمي: .٢٣٦
 - ٤- في المصدر: محمد بن أحمد.

تفسیر علی بن ابراهیم: امام صادق علیه السلام در مورد آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» - کهف / ۱۰۷ -

{بی} گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند باع های فردوس جایگاه پذیرایی آنان است} فرمود: این آیه در مورد أبوذر، مقداد، سلمان فارسی و عمار یاسر نازل شده است که خداوند برای آنها باع های فردوس را جایگاه پذیرایی آنها قرار داده است: نزلًا: یعنی منزل و مأوى. - ادامه روایت.

۱۸» امر خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دوستی مقداد

ل، الخصال عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى عَنْ شَرِيكٍ عَنْ أَبِي رَبِيعَةِ الْإِيَادِيِّ عَنِ ابْنِ بُرْيَدَةَ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمْرَنِي بِحَبِّ أَرْبَعَهُ، فَقَلَّا يَا رَسُولَ اللهِ مِنْ هُمْ سَمْهُمْ لَنَا، فَقَالَ: عَلَى مِنْهُمْ، وَسَلَّمَانُ وَأَبُو ذَرٍ وَالْمُقْدَادُ، أَمْرَنِي بِحَبِّهِمْ، وَأَخْبَرْنِي أَنَّهُ يَحْبُّهُمْ (۲).

الخلاص: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که خداوند مرا به محبت چهار نفر امر نمود. گفتیم: ای رسول خدا آنها چه کسانی هستند؟ آنها را برای ما نام ببر. پس فرمود: علی که یکی از آنهاست و سلمان، ابوذر و مقداد. مرا به محبت آنها سفارش کرد و به من خبر داد که خداوند نیز آنها را دوست دارد.

۱۹» امر خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دوستی مقداد

ل، الخصال الْأُسْنَانِيُّ عَنْ جَدِّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَصِيرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ شَرِيكٍ عَنْ أَبِي رَبِيعَةِ الْإِيَادِيِّ عَنِ ابْنِ بُرْيَدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ

ص: ۱۴

۱- تفسیر القمی: ۴۰۷ فیه: ای مأوى. و الآیه فی الكھف: ۱۰۷.

۲- الخصال ۱ : ۱۲۱.

حَيْلَ أَمْرَنِي بِحُبٍ أَرْبَعَهِ مِنْ أَصْحَابِي وَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ هُمْ فَكَلَّنَا نُحِبُّ أَنْ نَكُونَ مِنْهُمْ فَقَالَ أَلَا إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ ثُمَّ سَيَكَتْ ثُمَّ قَالَ أَلَا إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ وَأَبُو ذَرٍّ وَسَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَالْمَقْدَادُ بْنُ الْأَشْوَدِ الْكِنْدِيُّ (۱).

جا، المجالس للمفید المرزبانی عن احمد بن محمد بن عیسی المکی عن عبد الله بن احمد بن حنبل عن أبيه عن الحسین بن الحسین عن شریک مثله (۲).

الخلاص: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که خداوند عزوجل مرا به دوستی چهار نفر از اصحاب امر کرده است و به من خبر داد که خداوند (نیز) آنها را دوست دارد. گفتم: ای رسول خدا! آنها کیستند؟ هر یک از ما دوست داریم جزء آنان باشیم. پیامبر فرمود: آگاه باشید علی از آنهاست. سپس سکوت کرد. سپس فرمود: آگاه باشید علی از آنهاست. دوباره سکوت کرد. آن گاه فرمود: به راستی علی از آنهاست و سه نفر دیگر ابوذر و سلمان فارسی و مقداد بن اسود کنده هستند.

مجالس مفید: نظیر این حدیث را روایت کرده است.

«۲۰» امر خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دوستی مقداد

أَقُولُ وَرَوَى ابْنُ عَبْدِ الْبَرِّ فِي الْإِسْتِيعَابِ عَنْ سُلَيْمَانَ وَعَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْهِ بُرْيَدَةَ عَنْ أَبِيهِمَّا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي بِحُبٍ أَرْبَعَهِ مِنْ أَصْحَابِي وَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هُمْ قَالَ عَلَيْ وَالْمَقْدَادُ وَسَلْمَانُ وَأَبُو ذَرٍّ (۳).

مؤلف: ابن عبدالبر در الاستیعاب از سلیمان و عبدالله پسران بریده نقل کرده است که گفتند: پدرمان برای ما این حدیث

ص: ۱۵

۱- الخصال ۱: ۱۲۱.

۲- مجالس المفید: ۷۳.

۳- الاستیعاب ۲: ۵۶.

را روایت کرد که رسول الله فرمود: به راستی خداوند مرا به صحبت چهار نفر از اصحاب امر کرد و به من خبر داد که آنها را دوست دارد. پس کسی از پیامبر پرسید: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: علی، مقداد، سلمان و ابوذر.

۲۲» بهشت مشتاق دیدار مقداد

ل، الخصال مُحَمَّد بْنُ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَشْتَاقُ إِلَيْكَ يَا عَلِيُّ وَإِلَى عَمَّارٍ وَسَلْمَانَ وَأَبِي ذَرٍ وَالْمِقْدَادِ (۱).

الخصال: امام رضا عليه السلام از امیرالمؤمنین نقل کرد که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آل‌ه فرمود: ای علی! بهشت مشتاق دیدار تو، عمار، سلمان، ابوذر و مقداد است.

۲۳» دوست داشتن مقداد واجب است (امام صادق عليه السلام)

ل، الخصال فی خَبَرِ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْوَلَائِيَّةُ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَمْ يُعَيِّرُوا وَلَمْ يُبَدِّلُوا بَعْدَ نَيِّئِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجِبَهُ مِثْلِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَأَبِي ذَرِ الْغَفَارِيِّ وَالْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ الْكُنْدِيِّ وَعَمَّارَ بْنِ يَاسِرٍ وَجَابِرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ وَحُمَيْدَةَ بْنِ الْيَمَانِ وَأَبِي الْهَيْثَمِ بْنِ التَّيَّهَانِ وَسَيْهَلَ بْنِ حُنَيْفٍ وَأَبِي أَيُوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ وَعَبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ وَخُرَيْمَةَ بْنِ ثَابِتٍ ذِي الشَّهَادَتَيْنِ وَأَبُو (۲) (أَبِي سَعِيدٍ) الْخُدْرِيِّ وَمَنْ تَحَا نَحْوَهُمْ وَفَعَلَ مِثْلَ فِعْلِهِمْ (۳).

الخصال: امام صادق عليه السلام فرمود: دوست داشتن مؤمنینی که سنت خدا و رسول خدا را تغییر نداده‌اند واجب است. کسانی مثل سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود کندي، عمار بن یاسر، جابر بن

صف: ۱۶

-
- ۱- الخصال ۱: ۱۴۵.
 - ۲- الصحيح كما في المصدر: و ابی سعید.
 - ۳- عيون أخبار الرضا: ۲۶۹.

عبدالله انصاری، حذیفه بن یمان، أبي الهیش بن تیهان، سهل بن حنیف، ابو ایوب انصاری، عبدالله بن صامت، عباده بن صامت، خزیمه بن ثابت که لقب ذی الشهادتین داشت، ابی سعید خدری و همه کسانی که به راه آنها بروند و مثل آنان رفتار کنند.

۲۵» دوست مقداد واجب است (امام رضا عليه السلام)

ن، عيون أخبار الرضا عليه السلام فيما كتب الرضا عليه السلام للّمأمورين من شرائع الدين مثله.

عيون أخبار الرضا: امام رضا عليه السلام در مکتوبی که در مورد شرایع دین برای مأمون نوشته است حدیثی شبیه به این حدیث آورده است.

۲۶» زمین به خاطر هفت نفر خلق شده است یکی از آنها مقداد است

ل، الخصال مُحَمَّدُ بْنُ عَمَيْرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَادٍ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعُمَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خُلِقَتِ الْأَرْضُ لِسَبْعَةٍ^(۱) بِهِمْ يُرْزَقُونَ وَ بِهِمْ يُمْطَرُونَ وَ أَبُوهُ ذَرٌ وَ سَيْلَمَانُ وَ الْمِقْدَادُ وَ عَمَارُ وَ حُمَيْدَةُ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مَسِيقٍ عُودٍ قَالَ عَلَيْهِ وَ أَنَا إِمَامُهُمْ وَ هُمُ الَّذِينَ شَهَدُوا الصَّلَاةَ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

قال الصدوq رضی الله عنه معنی قوله خلقت الأرض لسبعه نفر ليس يعني من ابتدائها إلى انتهائها وإنما يعني بذلك أن الفائد فی الأرض قدرت في ذلك الوقت لمن شهد الصلاه على فاطمه عليها السلام و هذا خلق تقدیر لا خلق تکوین ^(۲).

الخصال: علی علیه السلام فرمود: زمین به خاطر هفت نفر خلق شده است. مردم به برکت آنها روزی داده می شوند. به برکت آنها باران دریافت می کنند و به برکت آنها مورد نصرت و عنایت خداوند قرار می گیرند. آنان ابوذر غفاری، سلمان، مقداد، عمار، حذیفه و عبدالله بن مسعود هستند. علی علیه

ص: ۱۷

۱- لانهم اكمل من في الأرض في عصرهم، فبقاء الأرض في زمانهم يكون لاجلهم.

۲- الخصال ۲: ۱۲.

السلام فرمود: و من امام آنان هستم. این گروه کسانی هستند که بر فاطمه سلام الله علیها نماز گزارند.

شیخ صدق در توضیح این حدیث می‌نویسد: منظور این نیست که خلقت زمین از اول پیدایش تا آخر آن به خاطر این گروه بوده است. بلکه منظور این است که خیر و برکت زمین در آن وقت به خاطر افرادی بوده که برای نماز خواندن بر حضرت زهرا علیهم السلام حضور یافته بودند و این «خلق تقدیری» است نه «خلق تکوینی».

۳۷» امر خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دوستی مقداد

ن، عيون أخبار الرضا عليه السلام يالأسانيد الثلاثة عن الرضا عن أبيه عليهم السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله إِنَّ اللَّهَ أَمْرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعِهِ عَلَىٰ وَ سَلْمَانَ وَ أَبِي ذَرٍّ وَ الْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ (۱).

صح : عنه عليه السلام مثله (۲).

عيون أخبار الرضا: امام رضا عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که خداوند مرا به محبت چهار نفر امر نمود: علی، سلمان، ابوذر و مقداد بن اسود.

صحیفه الرضا علیه السلام: نظری این حدیث نقل شده است.

۳۲» مقداد از پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار

فس، تفسیر القمی و السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ (۳) و هُمُ التُّقَبَّاءُ وَ أَبْوُ ذَرٍّ وَ الْمِقْدَادُ وَ سَلْمَانُ وَ عَمَّارٌ وَ مَنْ آمَنَ وَ صَدَقَ وَ ثَبَّتَ عَلَىٰ وَلَائِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام (۴).

تفسیر علی بن ابراهیم: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ» - . توبه / ۱۰۰ -

{و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار} آنها بزرگانی چون ابوذر، مقداد، سلمان و عمار هستند و هر کس که ایمان بیاورد و ولایت امیر المؤمنین را تصدیق کند و بر آن ثابت قدم باشد.

۳۴» سلمان و مقداد دو برادرند

م، تفسیر الإمام علیه السلام

ص: ۱۸

۱- عيون أخبار الرضا: ۲۰۰.

۲- صحیفه الرضا : ۳۱.

۳- التوبه: ۱۰۱.

ج، الإحتجاج بالأسناد إلى أبي محمد العسّكري قال: قال سليمان لجبريل عليه بـن صوريا عند ما قال جبريل عدونا من بين الملائكة إني أشهد أن من كان عدواً لجبريل فإنه عدو لميكائيل وإنهما جميعاً عدواً لمن عادهما سليمان لمن سالمهما فأنزل الله تعالى عند ذلك موافقاً لقول سليمان رحمة الله عليه قل من كان عدواً لجبريل في مظاهرته لأولياء الله على أعدائه ونروه بفضائل على ولله من عند الله فإنه نزله فإن جبريل نزل هذا القرآن على قلك يا ذن الله وأمره (١) مصدق لما يئن يديه من سائر كتب الله و هيدي من الصاله وبشرى للمؤمنين بتبوه محمد و ولائيه على ومن بعده من الأنبياء بأئمه أولياء الله حقاً إذا ماتوا على مواليهم لمحمد و على و آلهما الطيبين ثم قال رسول الله صلى الله عليه و آله يا سليمان إن الله صدق قيلك (٢) و وفق رأيك فإن جبريل عن الله يقول يا محمد سليمان و المقداد أخوان متضافيان في ودادك و وداد على أخيك و وصيتك و صيفيك و هم في أصيحة يحياك كجبريل و ميكائيل في الملائكة عدواً (٣) لمن أغض أحدهما وليان لمن والاهما و والي محمد و على عادى عادى و عانيا و أولياءهما ولو أحبت أهل الأرض سليمان و المقداد كما تحبهما ملائكة السماوات و الحجب و الكروبي و العرش لمغض ودادهما لمحمد و على و مواليهم لأوليائهم و معاداتهم لآيديائهم لما عذب الله تعالى أحداً منهم بعذاب البئة (٤).

تفسیر امام حسن عسکری، الاحجاج: از ابو محمد عسکری منقول است که فرمود: چون عبدالله بن صوریا گفت: از میان ملائکه جبریل دشمن ماست، سلمان گفت: گواهی می دهم که

ص: ۱۹

۱- با مرخ.

۲- قولک خ.

۳- عدوان ای: سلمان و المقداد، أحدهما، ای: جبریل و میکائيل، و العکس بعید. منه.

۴- تفسیر العسکری ۱۸۵ و ۱۸۶، الاحجاج: ۲۳ راجعه، و الآیه فی البقرة: ۹۷.

هر کس دشمن جبرئیل است پس دشمن میکائیل است و هر دو آنها دشمنند با کسی که با آنها دشمنی کند و دوستند با کسی که آنها را دوست بدارد. پس حق تعالی مطابق با سخن سلمان رحمه الله این دو آیه را فرستاد: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ يٰأَذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» - . بقره / ۹۷ -

{بگو: «کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خدادست] چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب نازل کرده است در حالی که مؤید (کتاب های آسمانی) پیش از آن و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است. (بداند که) خدا یقیناً دشمن کافران است.} «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ» جبرئیل دوستان خدا را علیه دشمنان خدا یاری رسانده و فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام را که ولی خدادست از جانب خدا فرو فرستاده است. «فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ» به راستی که جبرئیل این قرآن را نازل کرد «عَلَى قَلْبِكَ يٰأَذْنِ اللَّهِ» بر قلب تو به امر و اجازه خداوند «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ» تصدیق کننده سایر کتاب های الهی «وَهُدًى» هدایت کننده به راه راست «وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» بشارت دهنده است برای کسانی که به پیغمبری محمد صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام و امامان بعد از او ایمان آورده اند. اگر آنها بر دوستی محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت بمیرند به حق و راستی دوستان خدایند. پس پیامبر فرمود: ای سلمان! به درستی که خداوند گفتار تو را

تصدیق کرد و نظر تو را تأیید نمود. و به درستی که جبرئیل از جانب خداوند متعال به من خبر می دهد که ای محمد! سلمان و مقداد دو برادرند که در محبت تو و مودت علی برادر و وصی و برگزیده تو خالص اند. و این دو نفر در میان اصحاب تو مانند جبرئیل و میکائیل در میان ملائکه اند. سلمان و مقداد دشمن کسی هستند که با یکی از ایشان دشمن باشد و دوست کسی هستند که با ایشان دوست باشد و محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را دوست دارند و با کسی که دشمن محمد و علی باشد و یا با دشمنان ایشان دوستی کند دشمن اند. اگر اهل زمین سلمان و مقداد را همانند ملائکه آسمانها و حجابها و کرسی و عرش به خاطر دوستی خالصانه شان با محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و دوست داشتن دوستان محمد و دشمنی آنها با دشمنان محمد دوست داشته باشند هر آینه خدای متعال احده از آنها را هرگز به هیچ گونه عذابی دچار نخواهد کرد.

٣٥» علی علیه السلام فرمود تنها چهار کس به من جواب دادند: سلمان، عمار، مقداد و أبوذر.

ج، الإِحْتِاجَاجُ عَنْ إِسْبَّاحَاقَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَيِّهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ ذَكَرَ فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقُدْرَ فِي تَرْكِ قِتَالٍ مِنْ تَقْدَمٍ عَلَيْهِ قَالَ فَلَمَّا تُوفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفَرَاغَ مِنْ شَانِهِ ثُمَّ آتَيْتُ يَمِينًا أَنِّي لَا أَرْتَدِي إِلَّا لِلصَّلَاةِ وَجَمِيعِ الْقُرْآنِ (١) فَفَعَلْتُ ثُمَّ أَخَذْتُ بِيَدِ فَاطِمَةَ وَابْنَيِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ثُمَّ دُرْتُ عَلَى أَهْلِ بَدْرٍ وَأَهْلِ السَّابِقَهْ فَنَاسَدْتُهُمْ حَقًّى وَ

ص: ٢١

١- في المصدر: حتى اجمع القرآن.

دَعْوَتُهُمْ إِلَى نُصْرَتِي فَمَا أَجَابَنِي مِنْهُمْ إِلَّا أَرْبَعَهُ رَهْطٌ سَلْمَانٌ وَعَمَّارٌ وَالْمِقْدَادُ وَأَبُو ذَرٍ^(۱).

الاحتجاج: امام موسی بن جعفر عليه السلام نقل کرد که امیر المؤمنین عليه السلام در حدیثی طولانی به خاطر رها کردن جنگ با کسانی که از او پیش افتادند عذر آورد و فرمود: چون رسول خدا از دنیا رفت به امر غسل و تدوین رسول خدا پرداختم. سپس سو گند خوردم که جز به نماز و جمع قرآن نپردازم و چون از آن فارغ شدم دست فاطمه و حسن و حسین عليهم السلام را گرفتم و به خانه های همه اهل بدر و آنها یکی که در دین پیشگام بودند رفتم و آنها را به حق خود قسم دادم و از آنها طلب یاری نمودم و از میان آنها تنها چهار کس به من جواب دادند: سلمان، عمار، مقداد و أبوذر.

«۳۶» نماز خواندن مقداد بر بدن رسول خدا صلی الله عليه و آله

ج، الإحتجاج فِي رِوَايَةِ سُلَيْمَنَ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ سَلْمَانَ قَالَ: لَمَّا فَرَغَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ تَفْسِيلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَتَكْفِيفِهِ أَذْخَلَنِي وَأَذْخَلَ أَبَا ذَرًّا وَالْمِقْدَادَ وَفَاطِمَةَ وَحُسَيْنَ وَحُسَيْنَانِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَقَدَّمَ وَصَافَّنَا خَلْفَهُ وَصَلَّى عَلَيْهِ وَعَائِشَةَ فِي الْحُجْرَةِ لَا تَعْلَمُ قَدْ أَخَذَ جَبَرَئِيلَ بِصَيْرَهَا ثُمَّ قَالَ سَلْمَانُ بَعْدَ ذِكْرِ يَتِيمِهِ أَبِي بَكْرٍ وَمَا جَرَى فِيهَا فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ حَمَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى حِمَارٍ وَأَخَذَ بِيَدِ ابْنِيِّهِ حَسَنٍ وَحُسَيْنٍ^(۲) فَلَمْ يَدْعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَلَا مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَّا أَتَاهُ فِي مَنْزِلِهِ وَذَكَرَهُ حَقَّهُ وَدَعَاهُ إِلَى نُصْرَتِهِ فَمَا اسْتَجَابَ لَهُ مِنْ جَمِيعِهِمْ إِلَّا أَرْبَعُهُ

ص: ۲۲

۱- الاحتجاج: ۱۰۱.

۲- في المصدر: الحسن و الحسين.

وَ عِشْرُونَ (١) رَجُلًا فَأَمَرُهُمْ أَنْ يُصْبِحُوا بُكْرَهُ مُحَلَّقِينَ رُءُوسَهُمْ مَعَ سِلَاحِهِمْ قَدْ بَأْيَعُوهُ عَلَى الْمَوْتِ فَأَصْبَحَ وَ لَمْ يُوَافِهِ مِنْهُمْ أَحَدٌ غَيْرُ أَرْبَعَهُ قُلْتُ لِسِلْمَانَ مَنِ الْأَرْبَعَهُ قَالَ أَنَا وَ أَبْوِي ذَرْ وَ الْمِقْدَادُ وَ الزُّبَيرُ بْنُ الْعَوَامِ ثُمَّ أَتَاهُمْ مِنَ اللَّيلِ (٢) فَنَادَهُمْ فَقَالُوا نُصْبِحُكَ بُكْرَهُ فَمَا مِنْهُمْ أَحَدٌ وَفَى غَيْرِنَا ثُمَّ لَيْلَةَ الثَّالِثِ فَمَا وَفَى غَيْرِنَا فَلَمَّا رَأَى عَلَى السَّلَامِ غَدْرَهُمْ وَ قِلَّهُ وَ فَأَيْهُمْ لَزَمَ بَيْتَهُ وَ أَقْبَلَ عَلَى الْقُرْآنِ يُؤَلِّهُ وَ يَجْمَعُهُ الْخَبَرَ (٣).

الاحتجاج: سليم بن قيس هلالی از سلمان نقل کرد که گفت: چون امیرالمؤمنین علیه السلام از غسل دادن و کفن کردن رسول خدا فارغ شد من، ابوذر، مقداد، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را داخل گردانید. او خود جلو ایستاد و ما در عقب او صف بستیم و بر آن حضرت نماز خواندیم. و عایشه در اتاق بود و نمی دانست؛ زیرا جبرئیل چشم های او را گرفته بود تا ما را نبینند. سلمان بعد از بیعت ابوبکر و ماجرای آن گفت: چون شب فرا رسید علی علیه السلام فاطمه سلام الله علیها را بر استری سوار کرد و دست دو پرسش حسن و حسین را گرفت و به در خانه اهل بدر رفت و کسی از اهل بدر از مهاجرین و انصار نبود که علی علیه السلام به متزل او نزود و حقش را به او یادآور نشود و از او طلب یاری نکند. از میان همه آنها تنها بیست و چهار نفر با امام بیعت کردند. علی علیه السلام به ایشان امر کرد که چون بامداد شود سرهای خود را بتراشند و اسلحه خود را بردارند. پس با او

ص: ۲۳

-
- ١- في المصدر: و أربعون رجلا. وفيه، معهم سلاحهم وقد.
 - ٢- في المصدر: من الليل الثاني.
 - ٣- الاحتجاج: ٥٢ و ٥٣. وفيه: فما و في أحد غيرنا.

بیعت بستند که تا کشته نشوند دست از یاری او بر ندارند. چون روز شد تنها چهار نفر از آنها به بیعت خود وفا کردند. به سلمان گفت: آن چهار کس چه کسانی بودند؟ گفت: من، ابوذر، مقداد و زبیر بن عوام. سپس شب دوم دوباره علی علیه السلام نزد آنها آمد و آنها را سوگند داد. آنها گفتند: صبح زود نزد تو می آیم و کسی غیر از ما نیامد. و علی علیه السلام شب سوم نیز چنین کرد و چون روز شد غیر از ما کسی نیامد. زمانی که علی علیه السلام خیانت و بی وفایی آنها را دید در خانه اش نشست و به تأثیف و جمع قرآن پرداخت. ادامه روایت.

۳۷» با علی علیه السلام تنها سلمان، ابوذر، مقداد و زبیر باقی ماندند

ج، الإحتجاج سَلَيْمُ بْنُ قَيْسٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ أَنَّهُ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْعَبَّاسِ فِيمَا احْتَاجَ عَلَى مُعَاوِيَةَ قَدْ بَقَى مَعَ صَاحِبِنَا الَّذِي هُوَ مِنْ نَبِيِّنَا بِمَنْزِلَهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ سَلِيمَانُ وَأَبُو ذَرٍّ وَمِقْدَادٌ وَالزُّبَيرُ ثُمَّ رَجَعَ الزُّبَيرُ وَثَبَتَ هُؤُلَاءِ التَّلَاثَةُ حَتَّى لَقُوا اللَّهَ الْحَبَرَ (۱).

الاحتجاج: عبدالله بن عباس در احتجاج با معاویه گفت: با صاحب ما که نسبتش با پیامبر مانند نسبت هارون به موسی بود تنها سلمان، ابوذر، مقداد و زبیر باقی ماند. آن گاه زبیر نیز بازگشت و تنها این سه نفر ثابت قدم ماندند تا اینکه به دعوت حق لبیک گفتند. ادامه خبر.

۳۹» شیعه امیر المؤمنین فقط حسن، حسین، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و محمد بن أبي بکر بودند

ج، الإحتجاج بِالإِسْنَادِ إِلَى أَبِي مُحَمَّدِ الْعَشِيرَيْ كَرِيْ عَلِيِّ السَّلَامِ قَالَ: قَدِمَ جَمَاعَةً فَاسِتَأْذَنُوا عَلَى الرَّضَا عَلِيِّ السَّلَامِ وَقَالُوا نَحْنُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ فَمَنَعَهُمْ أَيَّامًا ثُمَّ لَمَّا دَخَلُوا قَالَ لَهُمْ وَيَحْكُمْ إِنَّمَا شِيعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

ص: ۲۴

۱- الاحتجاج. ۱۵۵ فیه: والمقداد و فیه: مع امامهم حتی لقوا الله.

الْحَسْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمِقْدَادُ وَ عَمَّارُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الَّذِينَ لَمْ يُخَالِفُوا شَيْئاً مِنْ أَوْامِرِهِ [\(١\)](#).

الاحتجاج: امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: گروهی به در خانه امام رضا علیه السلام آمدند و گفتند: ما از شیعه امیرالمؤمنین هستیم. پس چند روز آنها را منع نمود و رخصت ورود به آنها نداد. آن گاه که وارد شدند به آنها فرمود: شیعه امیرالمؤمنین فقط حسن، حسین، سلمان، أبوذر، مقداد، عمار و محمد بن أبي بکر بودند که با اوامر حضرت امیرالمؤمنین هیچ مخالفتی نکردند.

أقول: سيأتي الخبر بتمامه في باب صفات الشيعة.

مؤلف: این حديث به طور کامل در باب صفات شیعه خواهد آمد.

«٤٣» بهشت مشتاق مقداد است

شف، كشف اليقين أَحْمَدُ بْنُ مَرْدَوْيَهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَيَّاتِ عَنِ الْحَيَّاتِ رِبْنِ أَبِي هَيْدِيَهِ إِبْرَاهِيمَ [\(٢\)](#) عَنْ أَنَّسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى أَرْبَعَهِ مِنْ أُمَّتِي فَهَبْتُ أَنْ أَسْأَلَهُ مَنْ هُمْ فَأَتَيْتُ أَبَا بَكْرٍ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْجَنَّةَ تَشْتَاقُ [\(٣\)](#) إِلَى أَرْبَعَهِ مِنْ أُمَّتِي فَاسْأَلْهُ مَنْ هُمْ فَقَالَ أَخَافُ أَنْ لَا أَكُونَ مِنْهُمْ فَيَعِيرَنِي بِهِ بَنُو عَيْدِيٍّ فَأَتَيْتُ عُثْمَانَ فَقُلْتُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ أَخَافُ أَنْ لَا أَكُونَ مِنْهُمْ فَيَعِيرَنِي بِهِ بَنُو أُمَّيَّهِ فَأَتَيْتُ عَلَيْاً وَهُوَ فِي نَاصِحَّ لِهِ فَقُلْتُ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى أَرْبَعَهِ مِنْ أُمَّتِي فَاسْأَلْهُ مَنْ هُمْ فَقَالَ وَاللَّهِ لَأَسْأَلَهُ فَإِنْ كُنْتُ مِنْهُمْ لَأَخْمَدَنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

ص: ٢٥

١- الاحتجاج: ٢٣٤.

٢- هكذا في الكتاب ومصدره وال الصحيح: هدبہ بالباء الموحدہ.

٣- في المصدر: مشتاقه.

وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ لَأَسْأَلَ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَنِي مِنْهُمْ وَ أَوْدُهُمْ فَجَاءَ وَ جِئْتُ مَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَدَخَلْنَا عَلَى النَّبِيِّ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَأْسُهُ فِي حَجْرِ دِحْيَةِ الْكَلْبِيِّ فَلَمَّا رَأَاهُ دِحْيَهُ قَامَ إِلَيْهِ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ وَ قَالَ خُذْ بِرَأْسِ ابْنِ عَمِّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَنْتَ أَحَقُّ بِهِ فَاسْتَيقِظْ النَّبِيِّ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَأْسُهُ فِي حَجْرِ عَلَيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا جِئْنَا إِلَّا فِي حَاجَةٍ قَالَ بِأَبِي (١) وَ أَمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ وَ رَأْسِيَكَ فِي حَجْرِ دِحْيَةِ الْكَلْبِيِّ فَقَامَ إِلَيَّ وَ سَلَّمَ عَلَيَّ وَ قَالَ خُذْ بِرَأْسِ ابْنِ عَمِّكَ إِلَيْكَ فَأَنْتَ أَحَقُّ بِهِ مِنِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَهَلْ عَرَفْتُهُ فَقَالَ هُوَ دِحْيَهُ الْكَلْبِيُّ فَقَالَ لَهُ ذَاكَ جَبْرِيلُ فَقَالَ لَهُ بِأَبِي وَ أَمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَعْلَمُنِي أَنَّكَ قُلْتَ إِنَّ الْجَنَّةَ مُشْتَاقَةٌ إِلَى أَرْبَعِهِ مِنْ أَمْتَى فَمَنْ هُمْ فَأَوْمَأُ إِلَيْهِ بِيَدِهِ فَقَالَ أَنْتَ وَ اللَّهُ أَوْلَهُمْ أَنْتَ وَ اللَّهُ أَوْلَهُمْ ثَلَاثًا فَقَالَ لَهُ الْمِقْدَادُ وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍ (٢).

كشف اليقين: انس بن مالک نقل کرد که رسول خدا فرمود: بهشت به چهار کس از امت من مشتاق است. ترسیدم که سؤال کنم ایشان کیستند. پس به نزد ابوبکر رفتم و گفتمن: پیامبر فرمود: بهشت به چهار کس از امت من مشتاق است. تو از پیامبر سؤال کن که ایشان کیستند؟ ابوبکر گفت: می ترسم که من از ایشان نباشم و بنی تمیم مرا سرزنش کنند. پس نزد عمر رفتم و

ص: ۲۶

۱- فی المصدر: بابی انت و امی.

۲- اليقين في إمره أمير المؤمنين: ۱۷ و ۱۸.

از او خواستم که از پیامبر سؤال کند. عمر گفت: می ترسم که از ایشان نباشم و بنو عدی مرا سرزنش کنند. پس به نزد عثمان رفتم و گفت: تو از پیامبر سؤال کن. او نیز گفت: می ترسم که از ایشان نباشم و بنو امیه مرا سرزنش کنند. پس به خدمت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رفتم و آن حضرت در باغ خود آب می کشید. گفت: رسول خدا فرمود: بهشت به چهار کس از امت من مشتاق است. از پیامبر سؤال کن که آنها چه کسانی هستند. علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که سؤال می کنم. اگر از ایشان باشم خدا را حمد خواهم کرد و اگر از ایشان نباشم از خدا می خواهم که مرا در زمرة آنها قرار دهد و آنها را دوست خواهم داشت. پس علی علیه السلام روانه شد و من نیز به همراه ایشان رفتم. و چون به خدمت رسول خدا رسیدیم سر مبارک آن حضرت در دامن دحیه الكلبی بود. چون دحیه علی علیه السلام را دید برخاست و بر او سلام کرد و گفت: ای امیرالمؤمنین! سر پسر عمومیت را بگیر که تو از من سزاوارتری. چون رسول خدا بیدار شد و سر خود را در دامان علی دید گفت: ای ابوالحسن! تو حتما برای خواسته‌ای نزد ما آمده‌ای. علی گفت: پدر و مادرم فدای تو ای رسول الله. چون وارد شدم سر تو را در دامان دحیه کلبی دیدم. او برخاست و به من سلام کرد و گفت: ای امیرالمؤمنین! سر پسر عمومیت را بگیر که تو به او از من سزاوارتری.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا او را شناختی؟ علی فرمود: او دحیه کلبی بود. رسول خدا فرمود: او جبرئیل بود. علی علیه السلام گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول الله. انس به من خبر داد شما فرموده اید بهشت به چهار کس از امت من مشتاق است. آنها چه کسانی هستند؟ پیامبر با دست خود به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: به خدا قسم تو اول ایشانی، به خدا قسم تو اول ایشانی، به خدا قسم تو اول ایشانی. علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد. آن سه نفر دیگر کیستند؟ رسول خدا فرمود: مقداد، سلمان و ابوذر.

«ابودر، سلمان و مقداد هیچ شکی در آنها داخل نشده»

سر، السرائر موسی بن بکر عن المفضل قال: عرضت علی أبی عبد الله علیه السلام أصیحاب الرّدِّ فکلّ ما سیمیت إنساناً قالَ اعْزُبْ حَتَّیٌ قُلْتُ حُذَيْفَةَ قَالَ اعْزُبْ قُلْتُ ابْنَ مَسْعُودٍ قَالَ اعْزُبْ ثُمَّ قَالَ إِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تُرِيدُ الَّذِينَ لَمْ يَدْخُلُوهُمْ شَيْءٌ فَعَلَيْكَ بِهُؤُلَاءِ الْثَّالَثَةِ أَبُو ذَرٌ وَ سَلْمَانٌ وَ الْمِقْدَادُ (۱).

السرائر: مفضل گوید: بر امام صادق علیه السلام نام جماعتی را که بعد از پیامبر مرتد شدند - اصحاب رده - عرضه کردم. پس هر کس را که نام می‌بردم می‌فرمود: دور شو و نام آنها را نیاور. تا آن که نام حذیفه را گفتم، فرمود: دور شو و نام آنها را نیاور و نام ابن مسعود را گفتم، فرمود: دور شو و نام آنها را نیاور. سپس فرمود: اگر کسانی را می‌خواهی که هیچ شکی در آنها داخل نشده باشد این سه نفر هستند:

ص: ۲۸

۱- السرائر: ۴۶۸.

اعزب ای بعد و لا تذکره فإنه ليس كذلك قال الجوهری عَزَبَ عنِ فلان يَعْزُبُ و يَعْزِبُ ای بعد و غاب.

اعزب يعني دور شو و نام آنها را نیاور. او از زمره آنها نیست. جوهری گفته است: عزب عنی فلان يعزب و يعزب يعني دور و پنهان شد.

٤٥» بعد از رسول خدا صلی الله عليه و آلہ تنہا مقداد، ابوذر و سلمان فارسی مرقد نشدن

شی، تفسیر العیاشی حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ النَّاسُ أَهْلَ رِدَّهِ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا ثَلَاثَةً فَقُلْتُ وَمَنِ الْثَّالِثُ فَأَلَّا مِقْدَادٌ وَأَبُو ذَرٍّ وَسَلْمَانُ الْفَارَسِيُّ ثُمَّ عَرَفَ أَنَّا سُ بَعْدَ يَسِيرٍ فَقَالَ هُؤُلَاءِ الَّذِينَ دَارَتْ عَنْهُمُ الرَّحْمَةُ وَأَبْوَا أَنْ يُبَايِعُوا حَتَّى جَاءُوا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُكْرِهًـا فَبَيَّعَ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقِلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئاً وَسَيَبْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (١).

تفسیر العیاشی: حنان بن سدیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود: چون رسول خدا از دنیا رفت مردم همه مرتد شدند جز سه نفر. گفتم: آن سه نفر چه کسانی هستند؟ فرمود: مقداد، ابوذر و سلمان فارسی. سپس بعد از مدتی گروه اندکی متوجه شدند. پس فرمود: اینها بودند که آسیاب بر آنان چرخید (رکن یاران امیر مؤمنان بودند) و از بیعت امتناع کردند تا وقتی که امیر المؤمنین علیه السلام را به اجبار آوردند، پس بیعت کرد و این سخن خداوند متعال است: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقِلِبْ

ص: ٢٩

١- تفسیر العیاشی ١: ١٩٩ و الآیه فی آل عمران: ١٤٤.

عَلَى عَقِيقِيهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَاكِرِينَ» - آل عمران / ١٤٤ - {وَمُحَمَّد جَزْ فَرِستَادِهِ إِذْ كَهْ بِيَش اَز او [هم] پیامبرانی [آمدَه و] گذشتند نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود بر می گردید؟ و هر کس از عقیده خود باز گردد هرگز هیچ زیانی به خدا نمی رساند و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می دهد.}

۴۶» همه مردم مرتد شدند جز چهار نفر: علی، مقداد، سلمان و ابوذر

شی، تفسیر العیاشی **الفُصَيْلُ بْنُ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا قِبَضَ صَارَ النَّاسُ كُلُّهُمْ أَهْلَ جَاهِلِيَّةٍ إِلَّا أَرْبَعَهُ عَلَيْهِ وَالْمِقْدَادُ وَسَلْمَانُ وَأَبُو ذَرٍّ فَقُلْتُ فَعَمَّارٌ فَقَالَ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ الَّذِينَ لَمْ يَدْخُلُوهُمْ شَيْءٌ فَهُؤُلَاءِ** **الثَّلَاثَةُ (۱)**.

تفسیر العیاشی: فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود: چون رسول خدا از دنیا رحلت نمود همه مردم مرتد شدند جز چهار نفر: علی، مقداد، سلمان و ابوذر. گفتم: عمار چه شد؟ حضرت فرمود: اگر کسانی را می خواهی که هیچ شکی در آنها وارد نشده باشد تنها این سه نفرند.

۴۷» خداوند به پیامبر وحی فرموده است که چهار نفر را دوست بدارد: علی، ابوذر، سلمان و مقداد.

شی، تفسیر العیاشی **عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ أُحِبَّ أَرْبَعَهُ عَلَيْهَا وَأَبَا ذَرًّا وَسَلْمَانَ وَالْمِقْدَادَ فَقُلْتُ أَلَا فَمَا كَانَ مِنْ كَثُرِهِ النَّاسُ أَمَا كَانَ أَحَدٌ يَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرُ فَقَالَ بَلَى ثَلَاثَةُ قُلْتُ هَيْذِهِ الْأَيَّاتُ الَّتِي أُنْزِلْتُ إِنَّمَا وَلِيَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَقَوْلُهُ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ أَمَا كَانَ أَحَدٌ**

ص: ۳۰

يَسْأَلُ فِيمَا نَزَّلَتْ فَقَالَ مِنْ شَمَّ أَتَاهُمْ لَمْ يَكُونُوا (١) يَسْأَلُونَ.

تفسیر العیاشی: ابی جمیله از یکی از آن دو امام نقل کرد که پیامبر فرمود: خداوند به من وحی فرموده است که چهار نفر را دوست بدارم: علی، ابوذر، سلمان و مقداد. گفتم: آیا از بین این همه مردم کسی این موضوع(ولایت) را نمی‌دانست؟ فرمود: آری این سه نفر می‌دانستند. گفتم: این آیاتی که نازل شده است: «إِنَّمَا وَلِيَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آتَيْنَا» - . مائدہ / ۵۵ - {ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند} و «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمْ مِنْ كُمْ» - . نساء / ۵۹ - {خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید} آیا کسی نبود پرسید این آیه در مورد چه کسی نازل شده است؟ فرمود: از زمانی که برای ایشان آمد نپرسیده‌اند .

«۵۲» مقداد در درجه هشتم ایمان

ضه، روضه الوعظین قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْجَنَّةَ تَشْتَاقُ إِلَيْكَ وَإِلَى عَمَارٍ وَسَلْمَانَ وَأَبِي ذَرٍّ وَالْمِقْدَادِ.

وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِيمَانُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ فَالْمِقْدَادُ فِي التَّاسِعِ وَسَلْمَانُ فِي الْعَاشرِ.

وَقَالَ أَبْنُ عَبَّاسٍ رَأَيْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي مَنَامِي فَقُلْتُ لَهُ سَلْمَانَ فَقَالَ سَلْمَانَ فَقُلْتُ أَلَسْتَ مَوْلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَمَالَ بَلَى وَإِذَا عَلَيْهِ تَاجٌ مِنْ يَاقُوتٍ وَعَلَيْهِ حُلَّىٰ وَحُلُلٌ فَقُلْتُ يَا سَلْمَانُ هَذِهِ مَنْزِلَةُ حَسَنَةٍ أَعْطَاكَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ فَمَا ذَا رَأَيْتَ فِي الْجَنَّةِ أَفْضَلَ بَعْدَ إِيمَانِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَقَالَ

ص: ۳۱

۱- تفسیر العیاشی: ۱: ۳۲۸ و الآیه الأولى فی المائدہ: ۵۸ و الثانية فی النساء: ۵۹.

لَيْسَ فِي الْجَنَّةِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ شَئٌ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ حُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَالاِقْتِداءُ بِهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ الْجَنَّةَ لَمَأْشُوقٌ إِلَى سَلْمَانَ مِنْ سَلْمَانَ إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْجَنَّةَ لَمَأْعَشُقُ لِسَلْمَانَ مِنْ سَلْمَانَ
[للْجَنَّةِ.](#) (١)

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحَاءُ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ وَغَيْرُهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالُوا لَهُ أَنْتَ وَاللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْتَ وَاللَّهِ أَحَقُ النَّاسِ وَأَوْلَاهُمْ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَدَكَ تُبَايِعُكَ فَوَاللَّهِ لَنَمُوتَنَ قُدَّامَكَ فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَاعْسُدُوا عَلَيَّ غَدًا مُحَلِّقِينَ فَحَلَقَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحَلَقَ سَلْمَانُ وَحَلَقَ مِقْدَادٌ وَحَلَقَ أَبُو ذَرٍّ وَلَمْ يَحْلِقْ غَيْرُهُمْ ثُمَّ انْصَرَ رَفُوا فَجَاءُوا مَرَّةً أُخْرَى بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالُوا لَهُ أَنْتَ وَاللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْتَ أَحَقُ النَّاسِ وَأَوْلَاهُمْ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَلْمَ يَدَكَ تُبَايِعُكَ وَحَلَفُوا فَقَالَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَاعْسُدُوا عَلَيَّ مُحَلِّقِينَ فَمَا حَلَقَ إِلَّا هُوَ لَاءُ الْثَّلَاثَةِ قُلْتُ فَمَا كَانَ مِنْهُمْ عَمَّارٌ قَالَ لَا قُلْتُ فَعَمَّارٌ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَقَالَ إِنَّ عَمَّارًا قَدْ قَاتَلَ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامِ.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَيَادِي مُنَادِيَ أَيْنَ حَوَارِيُّ مُحَمَّدٌ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَسُولِ اللَّهِ الَّذِينَ لَمْ يَنْقُضُوا الْعَهْدَ وَمَضَوا عَلَيْهِ فَيَقُولُونَ سَلْمَانُ وَمِقْدَادُ وَأَبُو ذَرٍّ ثُمَّ نِيَادِي أَيْنَ حَوَارِيُّ عَلِيٌّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِيُّ مُحَمَّدٌ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُونَ عَمْرُو بْنُ الْحَمِيقِ الْخَزَاعِيُّ وَمُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي بَكْرٍ وَمِيسُونٌ بْنُ يَحْيَى التَّمَّارُ مَوْلَى بَنِي أَسَدٍ وَ

ص: ٣٢

١- في المصدر: إلى الجنـه.

وَقِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا تَقُولُ فِي عَمَارٍ قَالَ رَحْمَ اللَّهُ عَمَارًا ثَلَاثًا قَاتَلَ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقُتِلَ شَهِيدًا قَالَ الرَّاوِي فَقُلْتُ فِي نَفْسِي مَا يَكُونُ مَتَّلِهُ أَعْظَمَ مِنْ هَذِهِ الْمَتَّلِهِ فَالْتَّفَتَ إِلَيَّ وَقَالَ لَعَلَّكَ تَقُولُ مِثْلَ الثَّلَاثَةِ هَيَّاهَا قَالَ قُلْتُ وَمَا عِلْمُهُ أَنَّهُ يُقْتَلُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ (۱) قَالَ إِنَّهُ لَمَّا رَأَى الْحَزَبَ لَمَّا يَزِدَادُ إِلَى شَدَّدَهُ وَالْقَتْلَ لَمْ يُزَادُ إِلَى كَثْرَهُ تَرَكَ الصَّفَّ وَجَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هُوَ هُوَ قَالَ ارْجِعْ إِلَى صَفَّكَ فَقَالَ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَاتٍ كُلَّ ذَلِكَ يَقُولُ ارْجِعْ إِلَى صَفَّكَ فَلَمَّا كَانَ فِي الثَّلَاثَةِ قَالَ لَهُ نَعَمْ فَرَجَعَ إِلَى صَفَّهُ وَهُوَ يَقُولُ

الْيَوْمَ أَلْقَى الْأَلْحَاجَةَ مُحَمَّدًا وَ حِزْبَهُ

وَرُوِيَ أَنَّهُ أُتِيَ عَمَارٌ يَوْمَهُ بْنَ فَضَّلَ بْنَ حِكَمَةَ ثُمَّ قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخِرُ شَرَابٍ تَشَرِّبُهُ مِنَ الدُّنْيَا مَذْقَهُ مِنْ لَبَنِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ الْجَنَّةَ تَشْتَاقُ (۲) إِلَى ثَلَاثَةِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَمَنْ هُوَ لَاءُ الثَّلَاثَةِ قَالَ أَنْتَ مِنْهُمْ وَأَنْتَ أَوَّلُهُمْ وَسِلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَإِنَّهُ قَلِيلُ الْكُفَّارِ وَهُوَ لَكَ نَاصِحٌ فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ وَعَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ يَشَهُدُ مَعَكَ مَشَاهِدَ غَيْرَ وَاحِدَهِ لَيْسَ مِنْهَا إِلَّا وَهُوَ كَثِيرٌ خَيْرٌ ضَيْئٌ نُورٌ (۳) عَظِيمٌ أَجْرُهُ.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا وَمِنْهُمْ نَجِيبٌ وَأَنْجَبُ النُّجَباءِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ سَوْءٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حُذَيْفَةُ بْنُ الْيَمِّانِ مِنْ أَصْحَى فِيَاءِ الرَّحْمَنِ وَأَبْصَرَ رُكْمَ بِالْحَمَالِ وَالْحَرَامِ وَعَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ مِنَ السَّابِقِينَ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ مِنَ

ص: ۲۳

۱- في المصدر: في ذلك الموضع و اليوم.

۲- في المصدر: لمشتاقه.

۳- في المصدر: مضى ء نوره.

الْمُجْتَهِدِينَ وَ لِكُلِّ شَئِ فَارِسٌ وَ فَارِسُ الْقُرْآنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلَهُ مَا أَظْلَلَ الْخَضْرَاءَ وَ لَا أَقْلَتِ الْعَبِرَاءَ ذَا لَهْجَةٍ (۱۱) أَصْيَدَقَ مِنْ أَبِي ذَرٍ يَعِيشُ وَحْدَهُ وَ يَمُوتُ وَحْدَهُ وَ يُبَعْثُ وَحْدَهُ وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَحْدَهُ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلَهُ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرْ إِلَى زُهْدِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَيَنْظُرْ إِلَى أَبِي ذَرٍ (۲۲).

روضه الوعظین: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی بهشت به تو، عمار، سلمان، أبوذر و مقداد مشتاق است.

و امام صادق علیه السلام فرمود: ایمان ده درجه دارد: مقداد در درجه هشتم و ابوذر در درجه نهم و سلمان در درجه دهم آن است.

ابن عباس گفت: سلمان فارسی رحمه الله را در خواب دیدم. به او گفت: سلمان هستی؟ او گفت: بله سلمان هستم. گفتم: تو برده آزاد شده پیامبر نیستی؟ گفت: بله. ناگهان تاجی از یاقوت که با زیورآلات ترئین شده بود بر سرش دیدم. گفتم: ای سلمان! این جایگاه نیکویی است که خداوند عزوجل به تو عطا کرده است؟ گفت: بله. به او گفت: در بهشت بعد از ایمان به خدا و رسولش چه چیز بهتر است؟ سلمان گفت: در بهشت بعد از ایمان به خدا و رسولش چیزی بهتر از محبت علی بن ابی طالب علیه السلام و پیروی از او نیست. رسول خدا فرمود: اشتیاق بهشت به سلمان بیشتر از اشتیاق سلمان به بهشت است و عشق بهشت به سلمان از عشق سلمان به بهشت بیشتر است.

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: مهاجرین و

ص: ۳۴

۱- فی المصدر: علی ذی لهجه.

۲- روضه الوعظین: ۲۴۰- ۲۴۶ و فيه: الى زهد ابی ذر.

انصار و دیگران بعد از وفات پیامبر نزد علی علیه السلام آمدند و به او گفتند: به خدا قسم تو امیر المؤمنین و سزاوار ترین مردم به رسول خدا هستی. دستت را بده تا با تو بیعت بیندیم. به خدا سوگند در پیش تو به یقین جان خواهیم داد. علی علیه السلام فرمود: اگر راست می گویید فردا سرهایتان را بتراشید و به نزد من بیایید. پس علی علیه السلام، سلمان، مقداد و ابوذر سرهایشان را تراشیدند و دیگران سرهایشان را نتراشیدند و نرفتند. بعد از آن بار دیگر آمدند و به علی علیه السلام گفتند: به خدا سوگند تو امیر المؤمنین و شایسته ترین مردم به پیامبر هستی. دستت را بده تا با تو بیعت بیندم و سوگند خوردن. علی علیه السلام فرمود: اگر راست می گویید فردا صبح سرهایتان را بتراشید و نزد من بیایید. و کسی جز آن سه نفر سرهایشان را نتراشیدند. گفتم: عمار از جمله آنها نبود گفت: نه. گفتم: پس عمار اهل آتش است. او گفت: عمار در رکاب علی علیه السلام پیکار کرده است.

موسى بن جعفر علیه السلام فرمود: چون روز قیامت شود منادی ندا کند: حوارین محمد بن عبدالله رسول خدا کجايند که عهد را نشکستند و بر عهد و پیمان او ماندند؟ پس سلمان و مقداد و ابوذر بر می خیزند. سپس ندا دهنند. حوارین علی بن ابی طالب و وصی محمد بن عبدالله رسول خدا کجايند؟ پس عمرو بن حمق خزاعی، محمد بن ابی بکر، میثم بن یحیی عمار برد آزاد شده بنی اسد و اویس قرنی بر می خیزند. مردی از امام محمد باقر علیه السلام پرسید

که: در حق عمار چه می گویی؟ ایشان سه مرتبه فرمود: خدا عمار را رحمت کند. در رکاب امیرالمؤمنین جنگید و شهید شد. راوی گفت: پیش خود گفتم چه منزلتی از این بالاتر می تواند باشد؟ حضرت رو به من کرد و فرمود: گمان می کنی که او مثل آن سه نفر است؟ هیهات، هیهات. راوی گفت: عمار چه می دانست که در آن روز کشته خواهد شد؟ ایشان فرمود: چون در آن روز دید که آتش جنگ (لحظه به لحظه) شعله ورتر می شود و کشتگان زیاد می گردند، پس از صف خود جدا شد و به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین! آیا وقت کشته شدن من رسیده است؟ حضرت فرمود: به صف خود بازگرد. او سه مرتبه این سؤال را تکرار کرد و حضرت پاسخ داد: به صف خود برگرد. بار سوم حضرت به او فرمود: بله. پس به صف خود بازگشت در حالی که می گفت: امروز دوستان خود را که محمد و گروه اویند ملاقات می کنم.

روایت شده که عمار آن روز با خود مقداری شیر آورد و خندید و سپس گفت: رسول خدا به من فرمود: آخرین نوشیدنی که تو از این دنیا می نوشی مقداری شیر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهشت به سه نفر مشتاق است. امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید که آنها کیستند؟ پیامبر فرمود: تو از ایشانی و اول ایشانی و دیگری سلمان فارسی است به راستی که او تکبری ندارد و خیرخواه توست پس او را یار خود قرار ده و دیگری عمار بن یاسر است که

با تو در جنگ های بسیاری حاضر خواهد شد و در هیچ جنگی حاضر نخواهد شد مگر آنکه خیر و نور و اجرش بسیار خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: در هر خانه ای به یقین نجیبی هست و نجیب ترین نجیبان از بدترین خاندانها محمد پسر ابویکر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حذیفه بن یمان از برگزیدگان خداوند بخشاینده و آگاه ترین بندگان به حلال و حرام الهی بود. عمار بن یاسر از سبقت گیرندگان در اسلام و مقداد بن اسود از تلاش گران بود. برای هر امری انسان ماهری هست و فرد ماهر در قرآن عبدالله بن عباس است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آسمان سایه نینداخته و زمین بر خود حمل نکرده است کسی را که راستگوتر از ابوذر باشد. او تنها زندگی می کند و تنها می میرد و تنها برانگیخته می شود و تنها وارد بهشت می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بخواهد زهد و بی رغبتی عیسی به دنیا را ببیند باید به ابوذر بنگرد.

۵۶ «پاداشی بی منت برای مقداد

فر، تفسیر فرات بن ابراهیم علیٰ بْنُ مُحَمَّدِ الرُّهْرِيٍّ مُعَنِّى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ قَالَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ سَلِيمَانُ الْفَارِسِيُّ وَمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَعَمَّارُ وَأَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيٰ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۱).

تفسیر فرات بن ابراهیم: امام صادق علیه السلام در مورد این آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

ص: ۳۷

۱- تفسیر فرات: ۲۰۷ فیه: لهم اجر غير ممنون. قال هو أمير المؤمنين و الآية في سورة التين: ۶.

{مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند که پاداشی بی منت خواهند داشت} فرمود: آن مؤمنان سلمان فارسی، مقداد بن اسود، عمار، ابوذر و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام هستند که پاداشی بی منت دارند.

۵۷» زمین به خاطر هفت نفر خلق شده است یکی از آنها مقداد

فر، تفسیر فرات بن ابراهیم عَبْيَدُ بْنُ كَثِيرٍ مَعْنَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ قَالَ خُلِقَتِ الْأَرْضُ لِسَبَبِهِ بِهِمْ يُرْزَقُونَ وَ بِهِمْ يُمْطَرُونَ وَ بِهِمْ يُنْظَرُونَ (۱) وَ هُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ عَمَارٌ وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ مِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ حَذِيفَةُ وَ أَنَا إِمَامُهُمْ السَّابِعُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ أَمَّا بِنْعَمَهِ رَبِّكَ فَحَدَّثْ هَوْلَاءِ الدِّينَ صَلَوَا عَلَى فَاطِمَةِ الرَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ (۲).

تفسیر فرات بن ابراهیم: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زمین به خاطر هفت نفر خلق شده است. مردم به برکت آنها روزی داده می شوند و به برکت آنها باران دریافت می کنند و به خاطر آنها به مردم مهلت داده می شود. و آن هفت نفر: عبدالله بن مسعود، ابوذر، عمار، سلمان فارسی، مقداد بن اسود، حذیفه و من امام آنها هفتمن آنها هستم. خداوند متعال فرمود: «وَأَمَّا بِنْعَمَهِ رَبِّكَ فَحَدَّثْ» - . ضحی / ۱۱ -

{از نعمت پروردگار خویش با مردم سخن گوی} آنها کسانی هستند که بر فاطمه زهراء علیه السلام نماز خوانند.

۵۸» امر خداوند به محبت ۴ نفر از جمله مقداد

اختص، الإختصاص جَعْفُرُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُؤْمِنُ عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَارِ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَيْفُوَانَ الْجَمَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ أَمْرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَهِ قَالُوا

ص: ۳۸

۱- فی المصدر: و بهم ينصرون.

۲- تفسیر فرات: ۲۱۵.

وَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلَىٰ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ سَيَكَتْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَمْرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةِ قَالُوا وَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلَىٰ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ سَيَكَتْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَمْرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةِ قَالُوا وَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلَىٰ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ وَأَبُو ذَرٍ الْغَفَارِيِّ وَسَلْمَانُ الْفَارِسِيِّ (١).

کتاب اختصاص: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند مرا به محبت چهار کس امر نموده است. گفتند: یا رسول الله!

آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: علی بن ابی طالب. سپس سکوت کردند. آن گاه فرمود: خداوند مرا به محبت چهار کس امر نموده است. گفتند: ای رسول الله! آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: علی بن ابی طالب. دوباره سکوت نمودند. آن گاه فرمود: خداوند مرا به محبت چهار کس امر کرده است. گفتند: آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: علی بن ابی طالب، مقداد بن اسود، ابودر غفاری و سلمان فارسی.

۵۹ «ام خداوند به محبت ۴ نفر از حمله مقداد

الله ختص، الإختصاص أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِنِ أَبِيهِ الْخَطَابِ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ سَلْمَانَ عَلِمَ الْأَسْمَاءِ الْأَعْظَمَ (٢).

كثيرون، رجال الكشاف جيئن، بن أَحْمَدَ عَنِ الْحَسْنِ بْنِ خُرَزَادَ عَنِ ابْنِ مَهْرَانَ عَنِ الطَّائِنِيِّ عَنْ أَبِيهِ يَصْرَ مُثْلِهِ (٣).

کتاب اختصاص: امام صادق علیه السلام فرمود: سلمان به اسم اعظم آگاهی دارد.

حال کشی: نظر این حدیث را در وات کرده است.

۶۰» بعثت مشتقة، مقداد است

ختص، الإختصاص أَخْمَد بْنُ مُحَمَّدٍ بْنَ يَحْيَى عَنْ أَخْمَدَ بْنِ إِذْرِيسَ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُوسَى بْنِ

٣٩

- الاختصاص: ١١.
 - رجال الักษّي: ٩ - ٢
 - رجال الักษّي: ٩ - ٣

جعفر البغدادی عن عمر و بن سید عیسیٰ بن حمزه قال: قلت لأبی عبید الله عليه السلام الحیدیث الذى جاء فی المأریع قال و ما هو قلت الأربعه التي اشتاقت إلیهم الجنة قال نعم مینهم سلمان و أبوذر و المقداد و عمارة قلنا فایهم أفضل قال سلمان ثم أطرق ثم قال علم سلمان علماً لو علمه أبوذر كفر [\(۱\)](#).

کتاب اختصاص: عیسیٰ بن حمزه گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد حدیثی که برای آن چهار کس آمده است پرسیدم. فرمود: کدام حدیث؟ گفتم: آن چهار نفر که بهشت به آنها مشتاق است. فرمود: به آن چهار نفر سلمان، ابوذر، مقداد و عمار هستند. گفتم: کدام یک برترند؟ فرمود: سلمان. سپس سکوت کردند. آن گاه فرمود: سلمان علمی داشت که اگر ابوذر از آن آگاهی می یافت کافر می شد.

[«۶۱» امر خداوند به محبت ۴ نفر از جمله مقداد](#)

اختصاص، مُحَمَّد بْنُ الْمُحَمَّسِنِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ رَجِيلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ أَحِبَّ أَرْبَعَةَ عَلِيًّا وَأَبَا ذَرًّا وَسَلْمَانَ وَالْمِقْدَادَ [\(۲\)](#) مُخْتَصِّرٌ.

کتاب اختصاص: رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرمود: به راستی که خداوند مرا امر نمود که چهار کس را دوست بدارم: علی، ابوذر، سلمان و مقداد.

[«۶۳» مقداد از ماست. خدا با هر کس که دشمن او باشد دشمن است](#)

۱۴ - ۶۳ - ختص، الصادوق عَنْ مَاجِلَوِيْهِ عَنْ عَمِّهِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَيْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ قالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبِيدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

ص: ۴۰

۱- الاختصاص: ۱۲ و ۱۳.

۲- الاختصاص: ۱۲ و ۱۳.

عليه و آله عن سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ فَقَالَ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَنْ بَحْرُ الْعِلْمِ لَا يُقْدَرُ عَلَى نَزِحِهِ سَلْمَانٌ مَخْصُوصٌ بِالْعِلْمِ الْأَوَّلِ وَ الْآخِرِ أَبْغَضَ اللَّهَ مَنْ أَبْغَضَ سَلْمَانَ وَ أَحَبَّ مَنْ أَحَبَّهُ قُلْتُ فَمَا تَقُولُ فِي أَبْيَ ذَرْ قَالَ وَذَاكَ مِنَ أَبْغَضَ اللَّهَ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ أَحَبَّ مَنْ أَحَبَّهُ قُلْتُ فَمِمَا تَقُولُ فِي الْمِقْدَادِ قَالَ وَذَاكَ مِنَ أَبْغَضَ اللَّهَ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ أَحَبَّ مَنْ أَحَبَّهُ قُلْتُ فَمِمَا تَقُولُ فِي عَمَّارِ قَالَ وَذَاكَ مِنَ أَبْغَضَ اللَّهَ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ أَحَبَّ مَنْ أَحَبَّهُ قَالَ حَيْ أَبْرُ فَخَرَجْتُ لِأَبْشِرُهُمْ فَلَمَّا وَلَيْتُ قَالَ إِلَيَّ يَا جَابِرُ إِلَيَّ يَا جَابِرُ وَأَنْتَ مِنَ أَبْغَضَ اللَّهَ مَنْ أَبْغَضَكَ وَ أَحَبَّ مَنْ أَحَبَّكَ قَالَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمِمَا تَقُولُ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ ذَاكَ نَفْسِي قُلْتُ فَمَا تَقُولُ فِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ قَالَ هُمَا رُوحِي وَ فَاطِمَةُ أُمُّهُمَا ابْنَتِي يَسْوَؤُنِي مَا سَاءَهَا وَ يَسْرُنِي مَا سَرَّهَا أَشْهُدُ اللَّهَ أَنِّي حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَهُمْ سِلْمَ لِمَنْ سَالَمَهُمْ يَا جَابِرُ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُوا اللَّهَ فَيُسْتَجِيبَ لَكَ فَادْعُهُ بِاسْمَائِهِمْ فَإِنَّهَا أَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (۱).

كتاب اختصاص: امام محمد باقر عليه السلام فرمود: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که می گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد سلمان فارسی سوال کردم. پیامبر فرمود: سلمان دریای علم است، دریایی که کسی نمی تواند آن را به پایان برساند. سلمان به داشتن علم اول و آخر مختص شده است. خدا با هر کس که با او دشمنی کند دشمن است و هر کس که او را دوست بدارد خدا نیز او را دوست دارد. گفتم:

ص: ۴۱

۱- الاختصاص: ۲۲۲.

در مورد ابوذر چه می گویید؟ پیامبر فرمود: او از ماست. خداوند با هر کس که با او دشمنی کند دشمن است و هر کس که او را دوست بدارد خدا نیز دوستدار اوست. گفتم: در مورد مقداد چه می گویید؟ فرمود: او از ماست. خدا با هر کس که دشمن او باشد دشمن است و هر کس او را دوست بدارد خدا نیز دوستدار اوست. گفتم: در مورد عمار چه می گویید؟ فرمود: او از ماست. خدا با هر کس که دشمن او باشد دشمن است و هر کس او را دوست بدارد خدا نیز دوستدار اوست. جابر گفت: از خدمت پیامبر بیرون آمدم تا به آنها آنچه را که پیامبر گفته بود بشارت دهم. چون پشت کردم پیامبر مرا طلبید و فرمود که: ای جابر! نزد من بیا نزد من بیا. چون رفتم فرمود: تو نیز از مایی. خدا با کسی که با تو دشمنی کند دشمن است و کسی که تو را دوست دارد خدا نیز دوستدار اوست. گفتم: ای رسول الله! در حق علی بن ابی طالب علیه السلام چه می گویید؟ پیامبر فرمود: او جان من است. گفتم: در حق حسن و حسین چه می گویید: پیامبر فرمود: ایشان روح من هستند و فاطمه مادر ایشان دختر من است. هر چه او را بیازارد مایه آزار من و هر چه او را شاد کند مایه شادی من است. خدا را گواه می گیرم که من با هر کس که با آنها بجنگد می جنگم و با هر کس که با ایشان در صلح باشد من نیز در صلح هستم. ای جابر هرگاه

بخواهی که خدا را فرا بخوانی و دعايت را مستجاب کند پس خدا را به نام ايشان بخوان که محبوب ترين نام ها نزد خداوند عزو جل است.

۶۶» سوره محمد آيه ۳ در مورد أبوذر، سلمان، مقداد و عمار که عهد و پیمان را نشکستند نازل شده است

فس، تفسیر القمی قالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ نَزَّلْتُ فِي أَبِي ذَرٍ وَسَلْمَانَ وَمِقْدَادٍ وَعَمَّارٍ لَمْ يَنْقُصُوا الْعَهْدَ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ أَفَيْ شَتُّوا عَلَى الْوَلَاءِيَةِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ وَهُوَ الْحَقُّ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بِالْهُنْمِ (۱)

تفسیر علی بن ابراهیم: علی بن ابراهیم در مورد این سخن خداوند متعال: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» - . محمد / ۳ -

{کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند} گفت: این آیه در مورد أبوذر، سلمان، مقداد و عمار که عهد و پیمان را نشکستند نازل شده است. «وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ»

{و به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل آمده گرویده اند} یعنی بر ولایتی که خداوند نازل کرده ثابت قدم ماندند. «وَهُوَ الْحَقُّ» - . محمد / ۳ - {و آن حق} یعنی امیرالمؤمنین «مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بِالْهُنْمِ»

{از جانب پروردگارشان است. (خدا نیز) بدی هایشان را زدود و حال (و روز) شان را بهبود بخشید.}

۷۵» مقداد در پله هشتم از ایمان

ل، الخصال ابْنُ الْوَلِيدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْقَرَاطِيسِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمِنْزِلَةِ السُّلْطَانِ يُضَعَّدُ مِنْهُ مِرْقَاهٌ فَلَا يَقُولُنَّ

ص: ۴۳

۱- تفسیر القمی: ۶۲۵، و الآیه فی سوره محمد: ۳.

صَاحِبُ الْوَاحِدِ لِصَاحِبِ الْإِثْنَيْنِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ إِحْتَى يَسْتَهِي إِلَى الْعَاشِرَةِ وَ لَا تُشِقِّطْ مَنْ هُوَ دُونَكَ فَيَسِّرْ بِطَكَ الَّذِي هُوَ فَوْقَكَ فَإِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَشَفُّ مِنْكَ فَمَارْفَعُهُ إِلَيْكَ بِرْفَقٍ وَ لَمَّا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَمْ يُطِيقُ فَتَكْسِرُهُ فَإِنَّهُ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَهْرُهُ وَ كَانَ الْمِقْدَادُ فِي الثَّامِنَةِ وَ أَبُو ذَرٍ فِي التَّاسِعَةِ وَ سَلْمَانُ فِي الْعَاشرَةِ (۱).

ل، الخصال ابن الوليد عن الصفار عن الحسين بن معاويه عن محمد بن حماد مثله (۲).

خصال: عبدالعزيز قراطيسی گفت: امام صادق عليه السلام به من فرمود: ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و مؤمنین هر پله ای از آن را بعد از پله دیگر طی می کنند. پس کسی که در پله دوم است نباید به آن که در پله اول است بگوید: تو هیچ ایمانی نداری تا اینکه برسد به پله دهم. پس آن کسی را که از تو پایین تر است پایین نینداز که بالاتر از خود تو، تو را پایین می اندازد و اگر کسی را پایین تر از خود دیدی با ملایمت او را بالا بیر و چیزی هم که طاقت‌ش را ندارد بر او تحمل نکن که با این کار او را می شکنی. زیرا هر کس مؤمنی را بشکند بر او واجب است که آن را جبران - بازسازی - کند. مقداد در پله هشتم، ابوذر در پله نهم و سلمان در پله دهم ایمان بود.

خصال: ابن ولید از محمد بن حماد نظیر این حدیث را روایت کرده است.

«۷۶» همه مردم پس از رحلت پیامبر مرتد شدند جز مقداد و ابوذر و سلمان

کش، رجال الکشی حَمْدَوْيَه و إِبْرَاهِيمُ ابْنًا نُصَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عليه

ص: ۴۴

۱- الخصال ۲: ۵۹ و ۶۰.

۲- الخصال ۲: ۵۹ و ۶۰.

السلام قال: كَانَ النَّاسُ أَهْلَ رِدَهِ (١) بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَّا ثَلَاثَةً فَقُلْتُ وَمَنِ الْثَّالِثُ فَقَالَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَأَبُو ذَرٌ الْغَفَارِيُّ وَسَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ ثُمَّ عَرَفَ النَّاسُ بَعْدَ يَسِيرٍ وَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ دَارَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَأَبْوَا أَنْ يُبَايِعُوا (٢) حَتَّى جَاءُوا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُكْرِهًا فَبَيَّأَعَ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ (٣) الآية.

رجال کشی: سدیر گوید امام باقر عليه السلام فرمود: همه مردم پس از رحلت پیامبر مرتد شدند جز سه نفر. گفتم: آن سه نفر چه کسانی هستند؟ فرمود: مقداد بن اسود، ابوذر غفاری و سلمان فارسی. سپس بعد از مدتی گروه اندکی متوجه شدند. پس فرمود: آنها بودند که آسیاب بر آنان چرخید و از بیعت امتناع کردند تا وقتی که امیر المؤمنین عليه السلام را به اجبار آوردن، پس بیعت کرد. و این سخن خداوند عزوجل است که فرمود: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ» - آل عمران / ١٤٤ -

{وَمُحَمَّدٌ جَزٌ فَرِسْتَادِهِ إِنْ كَيْدُهُ إِلَّا [هُمْ] پَيَامِبَرَانِي [آمَدَهُ وَ] گَذَشَتَنَدِ نِيَسْتَ . آيَا اَكَرْ اوْ بَمِيرَدِ يَا كَشَتَهِ شُودِ اَزْ عَقِيدَهِ خُودِ بِرْ مِيْ گَرَدِيدِ .}

۷۷» زمین گنجایش و تحمل عظمت هفت نفر را ندارد از جمله مقداد

کش، رجال الکشی جَبْرِيلُ بْنُ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ خُرَزَادَ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَيْدَهِ عَنْ عَلَيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: ضَاقَتِ الْأَرْضُ بِسَيِّئَاتِهِ بِهِمْ يُرْزَقُونَ وَبِهِمْ يُنْصَرُونَ وَبِهِمْ يُمْطَرُونَ

ص: ٤٥

- ١- فی المصدر: اهل الرده.
- ٢- فی المصدر: ان يبايعوا الابی بکر.
- ٣- رجال الکشی: ٤ و الآیه فی سوره آل عمران: ١٤٤ .

مِنْهُمْ سَلَّمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ الْمِقْدَادُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ عَمَّارُ وَ حِذَافِهَ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ عَلَىٰ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ أَنَا إِمَامُهُمْ وَ هُمْ الَّذِينَ صَلَّوْا عَلَىٰ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ (۱).

رجال کشی: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: زمین گنجایش و تحمل عظمت هفت نفر را ندارد و به برکت آنها شما روزی می خورید و مددهای غیبی به شما می رسد و باران رحمت بر شما می بارد. سلمان فارسی، مقداد، ابوذر، عمار، حذیفه و امیرالمؤمنین علیه السلام. فرمود: و من امام آنان هستم و آنها همان کسانی هستند که بر فاطمه سلام الله علیها نماز گزارند.

۷۹» گفتار مقداد هنگام دیدن امیرالمؤمنین با دست های بسته

کش، رجال الکشی علی بن محمد القتبی عن جعفر بن محمد الرازی عن ابی الحسنین (۲) عن عمر و بن عثمان ان رجل عن ابی حمزه قال سیمحت ابا جعفر علیه السلام یقول لما مرروا بامیر المؤمنین علیه السلام فی رقتیه (۳) حبل إلى زريق ضرب أبو ذر بيده على الآخری ثم قال ليت السیوف عادت بائیدینا ثانیه و قال مقداد لو شاء لدعاعیه ربہ عَرَ و جل و قال سلمان مولای اعلم بما هو فيه (۴).

رجال کشی: ابی حمزه گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: زمانی که ابوذر، مقداد و سلمان از کنار امیرالمؤمنین علیه السلام عبور کردند در حالی که در گردن علی علیه السلام طنابی (از جنس طناب آل زریق یا طناب زریق که از محکم ترین طناب هاست) بسته بودند. ابوذر دستش را بر دست دیگرش زد و گفت: ای کاش شمشیرها بار دیگر به دست ما بیافتد تا آنها را به مجازات عملشان برسانیم. مقداد گفت: اگر علی می خواست از

ص: ۴۶

۱- رجال الکشی: ۴.

۲- فی المصدر: حدثني أبو الخير.

۳- و فی المصدر: و فی رقبته.

۴- رجال الکشی: ۵.

پروردگارش در این کار یاری می خواست. و سلمان گفت: مولایم بهتر از ما به شرایط خود آگاه است.

«همه مردم جز سه نفر ابوذر، سلمان و مقداد مرتد شدند»^{۸۰}

کش، رجال الکشی مُحَمَّد بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفُضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي بَصِّةِ يَرِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ارْتَدَ النَّاسُ إِلَّا ثَلَاثَةُ أَبْوَ ذَرٍ وَ سَلْمَانٌ وَ الْمِقْدَادُ قَالَ فَقَالَ أَبْوَ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَيْنَ أَبْوَ سَاسَانَ وَ أَبْوَ عَمْرَةَ الْأَنْصَارِيَّ (۱).

رجال کشی: ابی بصیر گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم: همه مردم جز سه نفر ابوذر، سلمان و مقداد مرتد شدند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: پس ابوساسان و ابو عمره انصاری کجايند؟.

بيان

لعل السائل توهם أن الجميع مضاوا على الرده و لم يرجعوا فرد عليه و أخبر باللذين رجعوا عن قريب. أقول سیأتی فی باب غصب الخلافه كثير من فضائل الثلاثه و أحوالهم.

شاید سؤال کتنده گمان کرده که همه از دین منحرف شدند و به دین برنگشتند. پس امام صادق علیه السلام آن را رد کرده به او پاسخ داد که این دو نفر (ابوسasan و ابو عمره انصاری) از کسانی بودند که زود از انحراف برگشتند.

مؤلف: در باب غصب خلافت بیشتر در مورد فضایل این سه نفر و احوال آنها سخن گفته می شود.

«مقدوده همسر بهشتی مقداد»^{۸۱}

کش، رجال الکشی رَوَى جَعْفَرُ عَلَامُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ نَهِيَكٍ عَنِ النَّصِيبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا سَلْمَانُ اذْهَبْ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقُلْ لَهَا تُتْحِفُكَ بِتُتْحِفَهِ مِنْ تُحَفِ الْجَنَّهِ فَذَهَبَ إِلَيْهَا سَلْمَانُ فَإِذَا بَيْنَ يَدَيْهَا ثَلَاثُ سِلَالٍ

ص: ۴۷

۱- رجال الکشی: ۵.

فَقَالَ لَهَا يَا بُنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَتُحِفِّينِي (١) قَوَالْتُ هَذِهِ ثَلَاثُ سِلَامٍ جَاءَتِنِي بِهَا ثَلَاثُ وَصَائِفَ فَسَأَلْتُهُنَّ عَنْ أَسْمَائِهِنَّ فَقَالَتْ وَاحِدَةٌ أَنَا سَلَمَى لِسَيِّلَمَانَ وَقَالَتِ الْأُخْرَى أَنَا ذَرَّةٌ لِأَبِي ذَرٍّ وَقَالَتِ الْأُخْرَى أَنَا مَقْدُودَةٌ لِمَقْدَادَ قَالَ سَلَمَانُ شُمَّ قَبْضَتُ فَنَوَّلَتِنِي فَمَا مَرِزْتُ بِمَلِإِ إِلَّا مُئْنُوا طِيبًا لِرِيحَهَا (٢).

رجال کشی: امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام! نزد فاطمه علیها السلام برو و به ایشان بگو: تحفه ای از بهشت به تو عطا کند. سلمان نزد فاطمه سلام الله علیها رفت. ناگهان در مقابل ایشان سه زنبیل را دید. سلمان به فاطمه سلام الله علیها گفت: ای دختر رسول الله! می خواهی تحفه ای به من بدھی؟ فاطمه سلام الله علیها فرمود: دیروز سه دوشیزه (از بهشت) این سه زنبیل را نزد من آوردند. من از آنها اسمشان را پرسیدم. یکی از آنها گفت: من سلمی هستم که برای سلمان خلق شده ام. دیگری گفت: من ذره نام دارم که برای ابوذر خلق شده ام و سومی گفت: من مقدوده هستم و برای مقداد بن اسود خلق شده ام. سلمان گفت: سپس فاطمه سلام الله علیها از یکی از آن زنبیل ها به من داد. از کنار هر جمعی از اصحاب رسول خدا که می گذشتم رایحه خوش آن آنها را فرا می گرفت.

أقول: سيأتى هذا فى خبر طويل أورده السيد فى مهج الدعوات فى باب فضائل فاطمه صلوات الله عليةها و كتاب الدعاء.

مؤلف: روایت طولانی این حديث در کتاب مهج الدعوات در باب فضائل فاطمه سلام الله علیها و کتاب الدعاء آمده است.

«امر خداوند به محبت ۴ نفر از جمله مقداد

کش، رجال الکشی جَبْرِيلُ بْنُ أَخْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى

ص: ٤٨

١- في المصدر: اتحفني من تحف الجن، قالت.

٢- رجال الکشی: ٦.

عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَيْفُوَانَ الْجَمَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ اللَّهَ أَمْرَنِي بِحُبٍ أَرْبَعَهُ قَالُوا وَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلَيِّي بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ثُمَّ سَكَتَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَمْرَنِي بِحُبٍ أَرْبَعَهُ قَالُوا وَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلَيِّي بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَأَبُو ذَرٍ الْغَفارِيُّ وَسَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ^(۱).

رجال کشی: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا فرمود: به راستی که خداوند مرا به محبت چهار کس امر نمود: گفتند: ای رسول الله! آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام. سپس سکوت کردند. آن گاه فرمود: خداوند مرا به محبت چهار نفر امر نموده است: گفتند: ای رسول الله! آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: علی بن ابی طالب، مقداد بن اسود، ابوذر غفاری و سلمان فارسی.

۸۳» ای مقداد! اگر صبر تو بر سلمان عرضه شود سلمان کافر می شود.

ختص، الإختصاص أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَيِّدِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَشْلَمَ الْجَبَلِيِّ عَنْ الْبَطَائِنِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِسْلَمًا يَا سَلْمَانُ لَوْ عُرِضَ عِلْمُكَ عَلَى مِقْدَادٍ لَكَفَرَ يَا مِقْدَادٍ لَوْ عُرِضَ صَبْرُكَ عَلَى سَلْمَانَ لَكَفَرَ^(۲).

کتاب اختصاص: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا به سلمان فرمود: ای سلمان! اگر علم و دانش تو به مقداد عرضه گردد او راه کفر را در پیش می گیرد و ای مقداد! اگر صبر تو بر سلمان عرضه شود سلمان کافر می شود.

فضائل مقداد رضی الله عنه

الأخبار

۱- تزویج مقداد بن اسود توسط پیامبر صلی الله علیه و آله

مع، معانی الأخبار ن، عيون أخبار الرضا علیه السلام

ص: ۴۹

۱- رجال الكشی: ۷.

۲- الاختصاص: ۱۱ و ۱۲.

أَبِي عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَىٰ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النَّهَاوَنِدِيِّ عَنْ صَالِحٍ بْنِ رَاهْوَيْهِ عَنْ أَبِي حَيْوَنِ مَوْلَى الرَّضَا عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَزَلَ جَبَرِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ إِنَّ الْأَبْكَارَ مِنَ النِّسَاءِ بِمَنْزِلَةِ الشَّمْرِ عَلَى الشَّجَرِ فَإِذَا أَيْتَ الشَّمْرَ فَلَا دَوَاءَ لَهُ إِلَّا اجْتَنَاؤُهُ وَإِلَّا أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَعَيْرُتُهُ الرِّيحُ وَإِنَّ الْأَبْكَارَ إِذَا أَدْرَكْنَ مَا تُدْرِكُ النِّسَاءُ فَلَا دَوَاءَ لَهُنَّ إِلَّا الْبَعْوُلُ وَإِلَّا لَمْ يُؤْمِنْ عَلَيْهِنَّ الْفِتْنَةُ فَصَيَّدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْمِنْبَرَ فَخَطَبَ النِّسَاءَ ثُمَّ أَعْلَمَهُمْ مِمَّا أَمْرَهُمُ اللَّهُ بِهِ فَقَالُوا مِمَّنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ الْأَكْفَاءِ فَقَالُوا وَمَنِ الْأَكْفَاءُ فَقَالَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ ثُمَّ لَمْ يَنْزِلْ حَتَّى زَوْجَ ضُبَاعَةِ الْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ ثُمَّ قَالَ أَئِهَا النِّسَاءُ إِنَّمَا زَوَّجْتُ ابْنَهُ عَمِّي الْمِقْدَادَ لِتَتَضَعَّنَ الْمَنَاكِحَ (١).

معانی الاخبار، عيون اخبار الرضا: امام رضا عليه السلام فرمود: جبرئيل بر پیامبر فرود آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می رساند و می گوید دختران باکره همچون میوه بر درخت هستند و چون میوه درخت برسد به غیر از چیدن دوایی ندارد. اگر آن را نچینی خورشید آن را فاسد می کند و باد آن را تغییر می دهد. دختران باکره نیز چون بالغ شوند به غیر از شوهر دادن برایشان دوایی نیست و در غیر این صورت از فتنه و فساد آنها در امان نیستی. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از منبر بالا رفت و برای مردم خطبه خواند و آنچه که خدا امر کرده بود به مردم خبر داد. گفتند:

ص: ٥٠

١- علل الشرائع: ١٩٣، عيون اخبار الرضا: ١٦٠ و فيه لتتضع المناكح ولم نجد الحديث في المعانى، ولعل مع مصحف عليه السلام.

دختران خود را به تزویج چه کسی در آوریم؟ فرمود: به هم کفوهای آنها گفتند: هم کفوهای آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: مؤمنان هم کفو یکدیگرند. از منبر فرود نیامد تا آنکه ضباعه را به تزویج مقداد بن اسود در آورد و سپس فرمود: ای مردم! دختر عم خود را به همسری مقداد درآوردم تا اینکه نکاح پایین آید - مردم در ازدواج رعایت حسب و نسب نکنند.

۲- تزویج مقداد بن اسود توسط پیامبر صلی الله علیه و آله

کافی: الکافی علیؑ عن أبيه عن ابن فضالٍ عن ثعلبة عن عمر بْن أَبِي بَكْرِ الْحَاضِرِ مِنْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَوْجَ الْمِقْدَادَ بْنَ الْمَأْشُودِ ضَبَاعَةً ابْنَةِ الرُّزِيرِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَلِّبِ وَإِنَّمَا زَوَّجَهُ لِتَتَضَعَّفَ الْمَنَاكِبُ وَلِيَتَأَسَّوْا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ (۱).

کافی: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضباعه دختر زیر بن عبدالطلب را به عقد مقداد بن اسود درآورد تا نکاح پایین آید و همه به رسول خدا اقتدا کنند و بدانند که گرامی ترین مردم نزد خدا با تقواترین آنهاست.

۳- پیغام مقداد برای عثمان هنگام وفات

کافی: الکافی حمید بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الدَّهْقَانِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ الطَّاطَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ بَنَائِ السَّابِرِيِّ عَنْ أَبَانِ عَنْ يَحْيَى عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ عُثْمَانَ قَالَ لِلْمِقْدَادِ أَمَا وَاللَّهِ لَتَتَهَبَّنَ أَوْ لَأَرْدَنَكَ إِلَى رَبِّكَ الْأَوَّلِ قَالَ فَلَمَّا حَضَرَتِ الْمِقْدَادُ الْوَفَاهُ قَالَ لِعَمَّارٍ أَبْلَغْ عُثْمَانَ عَنِي أَنِّي قَدْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي الْأَوَّلِ (۲).

کافی: امام باقر علیه السلام فرمود: روزی عثمان به مقداد گفت:

ص: ۵۱

۱- فروع الکافی ۲: ۹.

۲- روشه الکافی: ۳۳۱.

دست از مذمّت من و مدح علی بن ابی طالب بردار و گرنه تو را به ارباب اولت برمی گردانم. چون وقت وفات مقداد شد به عمار گفت: به عثمان بگو که من به سوی ارباب اولم برگشتم.

بيان

له کان مراد عثمان بالرب الأول مولاہ الذی أعتقه او الذی کان تبناه او الصنم الذی کان فی الجahلیه يعبدہ و مراد مقداد رضی الله عنہ الرب القديم تعالی شانه.

شاید مقصود عثمان لعنه الله عليه از ارباب اول صاحب مقداد باشد که او را آزاد کرد یا کسی باشد که او را به فرزند خواندگی پذیرفت یا بتی که در زمان جاهلیت می پرستیدند. و منظور مقداد رضی الله عنہ پروردگار ازلی و ابدی است.

٤- اسم و کنیه مقداد

ختص، الإختصاص كُنْيَةُ الْمِقْدَادِ أَبُو مَعْبُدٍ وَ هُوَ مِقْدَادُ بْنُ عَمْرٍو الْبَهْرَانِيُّ وَ كَانَ الْأَسْوَدُ بْنُ عَبْدِ يَغْوُثَ الزُّهْرِيُّ تَبَنَّاهُ فَنَسَبَ الْمِقْدَادُ إِلَيْهِ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ (١).

اختصاص: کنیه مقداد ابو معبد و او مقداد بن عمرو بهرانی بود.أسود بن عبد يغوث زهری او را به فرزند خواندگی پذیرفت و مقداد به او منسوب شد.

بيان

قال الشهيد الثاني رحمه الله البهري نسبه إلى بهر بن عمرو بن الحاف بن قضاوه انتهى و قيل منسوب إلى بهراء قبيله على غير قياس إذ القياس بهراوي و في رجال العامه المقداد هو أبو معبد و قيل أبو الأسود و هو ابن عمرو بن ثعلبه بن مالك بن ربيعه الكندي و قيل إنه قضاوي و قيل هو حضرمي و ذلك أن أباه حالف كنده فنسب إليها و حالف المقداد الأسود بن عبد يغوث الزهرى فقيل له زهرى و إنما مکى (٢) كنى ابن الأسود لأنها كان

ص: ٥٢

١- الاختصاص: ٩.

٢- هكذا في نسخه المصطف و لعل الصحيح: و إنما يکنى ابن الأسود.

حليفه او لأنه كان فى حجره و قيل بل كان عبدا له فتبناه قال ابن عبد البر والأول أصح وقال كان قد يم الإسلام شهد بدراء وأحدا المشاهد كلها و كان من الفضلاء النجاء الكبار الخيار من أصحاب النبي صلى الله عليه و آله.

شهيد ثانی گفت: بهرانی منسوب به بهر بن عمرو بن الحاف ابن قضاوه است. سخن تمام شد. و گفته شده به بهراء که نام قبیله ای است منسوب شده است و این خلاف قاعده است. چرا که قاعده این است که این کلمه بهراوی باشد. در کتاب رجال العامه آمده است: مقداد همان أبو معبد است. بعضی او را ابوالاسود می دانند که پسر عمرو بن ثعلبه بن مالک بن ربیعه کنده بود. بعضی گفته اند که از قبیله قضاوه بود و بعضی نیز گفته اند از حضرموت بود. و چون پدرش با قبیله کنده هم پیمان شده بود او را به آن قبیله نسبت می دادند. و چون مقداد با اسود بن عبد يغوث زهری هم سوگند شده بود او را زهری می گفتند و به این سبب نیز او را ابن اسود می گفتند که در دامان او بزرگ شده بود و برخی گفته اند که مقداد برد او بود او مقداد را به فرزند خواندگی پذیرفت. ابن عبدالبر گفته است: او برد او سود بن عبد يغوث بود و گفت: در جنگ بدر و أحد و سایر غزوات رسول خدا صلی الله عليه و آله حاضر شد و از بزرگان و پاک نژادان و بهترین صحابه رسول خدا بود.

۵- دعای حضرت علی علیه السلام برای مقداد

ما، الأَمَالِي لِلشِّيخ الطُّوسِي الْمُفِيدُ عَنِ

ص: ۵۳

الْكَاتِبِ عَنِ الزَّرَعْفَارِيِّ عَنِ التَّقْفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَىٰ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُيْفِيَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ لُوطِ بْنِ يَحْيَىٰ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: لِمَا بُوِيَعَ عُثْمَانُ سِعْدُ الْمُقْدَادِ بْنَ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيَّ يَقُولُ لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ وَاللَّهِ يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَ مَا أَتَى إِلَى أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ فَقَالَ لَهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ مَا أَنْتَ وَذَاكَ يَا مِقْدَادُ قَالَ إِنِّي وَاللَّهِ أُحِبُّهُمْ لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهُمْ وَيَعْتَرِيَنِي وَاللَّهِ وَجِيدٌ لَمَا أَبْشَرَهُ اللَّهُ لِتَشَرُّفِ قُرْيَشٍ عَلَى النَّاسِ بِشَرْفِهِمْ وَاجْتَمَعَ عَلَيْهِمْ عَلَى نَزْعِ سُلْطَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَئِيَّدِهِمْ فَقَالَ لَهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ وَيَحْكُ وَاللَّهِ لَقِدْ اجْهَدَتْ ^(١) نَفْسِي لَكُمْ قَالَ لَهُ الْمِقْدَادُ وَاللَّهِ لَقَدْ تَرَكْتَ رَجُلًا مِنَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْحَقِّ وَهُوَ يَعْدِلُونَ أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ لِي عَلَى قُرْيَشٍ أَعْوَانًا لَقَاتَلُهُمْ قِتَالِي إِيَّاهُمْ يَوْمَ بَدْرٍ وَأَحْدِ فَقَالَ لَهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ ثَكَلْتَكَ أُمْكَ يَا مِقْدَادُ لَا يَسِّمَعَنَ هَذَا الْكَلَامَ مِنْكَ النَّاسُ أَمْ (أَمًّا) وَاللَّهِ إِنِّي لَخَائِفٌ أَنْ تَكُونَ صَاحِبَ فُرْقَةٍ وَفِتْنَةٍ قَالَ جُنْدَبٌ فَأَتَيْتُهُ بَعْدَ مَا انْصَرَفَ مِنْ مَقَامِهِ فَقُلْتُ لَهُ يَا مِقْدَادُ أَنَا مِنْ أَعْوَانِكَ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ إِنَّ الَّذِي نُرِيدُ لَا يُغْنِي فِيهِ الرَّجُلَانِ وَالثَّلَاثَةُ فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَأَتَيْتُ عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ فَذَكَرْتُ لَهُ مَا قَالَ وَمَا قُلْتُ قَالَ فَدَعَا لَنَا بِخَيْرٍ ^(٢).

امالى طوسى: جندب گفت: چون مردم با عثمان بیعت کردند مقداد به عبدالرحمن بن عوف گفت: اى عبد الرحمن، به خدا سوگند که هر گز مثل آن وقایعی که بر اهل بیت پیامبر بعد از

ص: ٥٤

١- اجهدت خ ل.

٢- أمالى ابن الشيخ: ١١٩ و ١٢٠.

آن حضرت واقع شد ندیدم. عبدالرحمان گفت: ای مقداد!

تو را با این کارها چه کار؟ مقداد گفت: به خدا سوگند من آنها را دوست دارم، برای آنکه رسول خدا آنها را دوست می داشت و به خاطر احوال آنها چنان حزنی به من دست داد که نمی توانم آن را اظهار کنم زیرا قریش به شرافت آنها شرف و بزرگی یافتند. همه جمع شدند تا حکومت رسول خدا را از دست اهل بیت ایشان بگیرند. عبدالرحمان گفت: وای بر تو به خدا قسم من به نفع شما تلاش کردم. مقداد به او گفت: به خدا سوگند که از حمایت مردی دست کشیدی که مردم را به حق امر می کرد و به عدالت رفتار می کرد. به خدا قسم اگر یارانی می یافتم با قریش مانند جنگی که در روز بدر و احد داشتم می جنگیدم. عبدالرحمان گفت: مادرت به عزایت بنشیند. ای مقداد! این سخن را کسی از تو نشنود. به خدا قسم می ترسم که به خاطر این سخن تو، فتنه و اختلافی در میان مردم ایجاد شود. جندب گفت: بعد از آنکه مقداد از آن مجلس برخاست من نزد او رفتم و گفتم: ای مقداد! من از یاران توام. مقداد گفت: خدا تو را بیامرزد. آن کاری که ما قصد داریم انجام دهیم با دو سه نفر انجام نمی شود. آن گاه از نزد او برخاستم. و به خدمت علی بن ابی طالب علیه السلام رفتم و گفته خود و مقداد را به حضرت عرض کردم. و حضرت برای ما دعای خیر کرد.

۶- جایگاه مقداد بن اسود در این امت

ختص، الإختصاص أَخْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ

صف: ۵۵

بْنُ مُحَمَّسٍ (۱) عَنْ سَعِدٍ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَاحَابِنَا عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الْإِيمَادِيِّ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّا مَنْزَلَهُ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كَمَنْزَلَهُ الْأَلِفِ فِي الْقُرْآنِ لَا يَلْزُقُ بِهَا شَيْءٌ (۲).

اختصاص: امام صادق عليه السلام فرمود: جایگاه مقداد بن اسود در این امت مانند جایگاه الف در قرآن است که حرف دیگری به آن نمی چسبد.

بيان

لعل المراد أنه في بعض الصفات ممتاز لا يلحقه أحد فلا ينافي كون سلمان أفضل منه مع أن يتحمل أن يكون الحصر إضافيا.

شاید مقصود این باشد که او در برخی از صفاتی که داشته ممتاز است و کسی به پای او نمی رسد و این منافاتی با فضایل سلمان ندارد و احتمالاً حصر از نوع اضافی است.

۷- قلب مقداد بن اسود در ایمان مانند پاره های آهن بود

كش، رجال الكشي حمدويه بن نصيير عن محمد بن عيسى و محمد بن مشعوذ عن احمد عن محمد بن عيسى عن النضر بن سويدي عن محمد بن بشير عمّن حداه قال: ما بقي أحد إلا وقد جعل جهله إلا المقداد بن الأسود فإن قلبه كان مثل زبر الحديده (۳).

رجال کشی: هر کسی بعد از رسول خدا از دین برگشت جز مقداد بن اسود. قلب او در ایمان مانند پاره های آهن بود.

۸- مقداد! اگر علم تو را بر سلمان عرضه کنند به یقین کافر خواهد شد

كش، رجال الكشي طاهر بن عيسى الوراق رفعه إلى محمد بن سفيان عن سليمان الديلمي عن علي بن أبي حمزة قال سمعت أبي عبد الله عليه السلام يقول قال رسول الله صلى الله عليه و آله يا سلمان لو عرض علمك على مقداد لکفر يا مقداد لو عرض علمك على سلمان لکفر (۴).

رجال کشی: امام

ص: ۵۶

۱- في المصدر: و محمد بن الحسن.

۲- الاختصاص: ۱۰.

۳- رجال الكشي: ۷ و ۸.

۴- رجال الكشي: ۷ و ۸.

صادق علیه اسلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای سلمان! اگر علم تو بر مقداد عرضه شود به یقین کافر خواهد شد. ای مقداد! اگر علم تو را بر سلمان عرضه کنند به یقین کافر خواهد شد.

۹- همه صحابه بعد از رسول خدا مرتد شدند جز سه نفر: سلمان، ابوذر و مقداد

کش، رجال الکشی علی بن الحکم عن عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَصَرِمِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الَّذِي نَفَرَ سَلْمَانُ وَأَبُو ذَرٌ وَالْمِقْدَادُ قَالَ قُلْتُ فَعَمَّارٌ قَالَ قَدْ كَانَ حَاجَضَ حِينَصَه^(۱) ثُمَّ رَجَعَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَرَدْتَ الَّذِي لَمْ يَشْكُ وَلَمْ يَدْخُلْهُ شَيْءٌ فَالْمِقْدَادُ فَأَمَّا سَلْمَانُ فَإِنَّهُ عَرَضَ فِي قَلْبِهِ أَنَّ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ اسْمَ اللَّهِ الْأَعَظَمِ لَوْ تَكَلَّمَ بِهِ لَا يَخْدُمُهُ الْأَرْضُ وَهُوَ هَكَذَا فَلَبِّبَ وَوُجِئَتْ عُنْقُهُ حَتَّى تُرَكَتْ كَالسُّلْعَهُ فَمَرَّ بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ يَا بَا عَنِيدُ اللَّهِ هَذَا مِنْ ذَاكَ بَيَانِ فَبَيَّنَ وَأَمَّا أَبُو ذَرٌ فَأَمَرَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالسُّكُوتِ وَلَمْ يَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَهُ لَائِمٌ فَأَبَى إِلَّا أَنْ يَتَكَلَّمَ فَمَرَّ بِهِ عُثْمَانُ فَأَمَرَ بِهِ ثُمَّ أَنَابَ النَّاسُ بَعْدَهُ وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ أَنَابَ أَبُو سَاسَانَ الْأَنْصَارِيَّ وَأَبُو عَمْرَةَ وَشُعَيْرَهُ فَكَانُوا سَبْعَهُ وَلَمْ يَكُنْ يَعْرُفُ حَقَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا هُؤُلَاءِ السَّبَّاعَهُ^(۲).

رجال کشی: ابی بکر حضرتی گوید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: همه صحابه بعد از رسول خدا مرتد شدند جز سه نفر: سلمان، ابوذر و مقداد. گفتم: عمار چه؟ فرمود: از دین منحرف شد و سپس برگشت. سپس فرمود: اگر کسی را بخواهی که هیچ شکی در دلش پیدا نشد و شبهه ای بر او عارض نگشت مقداد بود.

صفحه ۵۷

۱- قد حاص حیصه خ ل.

۲- رجال الکشی:

اما سلمان به ذهن او این مسئله خطور کرد که نزد امیرالمؤمنین علیه السلام اسم اعظم الهی است. اگر علی علیه السلام با آن سخن گوید به یقین زمین آنان را فرو می برد و چرا علی علیه السلام اینچنین مظلوم مانده است. پس گریبانش را گرفتند و ضربه ای به گردنش زدند و شکافی در آن ایجاد کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام بر او گذشت و به او فرمود: ای ابا عبد الله! این به خاطر چیزی است که به ذهن تو خطور کرد با ابوبکر بیعت کن. پس سلمان بیعت کرد. اما امیرالمؤمنین ابوذر را به سکوت امر کرد؛ و ملامت ملامت کنندگان، ایمان او را تغییر نداد. اما نتوانست جلوی زبانش را بگیرد و عثمان بر او گذر کرد و در مورد او دستور داد. بعد از او برخی از مردم به حق برگشتند و اولین کسانی که به حق برگشتند ابوساسان انصاری، ابو عمره و شیره بودند. پس هفت نفر شدند و جز این هفت نفر کس دیگری حق امیرالمؤمنین را نمی دانست.

بيان

جاض عنه حاد و مال و في بعض النسخ بالحاء و الصاد المهملتين بمعناه و حاصوا عن العدو انهزموا.

جاض عنه: متمایل شد و در برخی از نسخه های دیگر با حاء و صاد (جاض) به همین معنی آمده است. حاصوا عن العدو: شکست خوردن.

انكار مقداد

وَذَكْرُ الشَّفَعِيِّ فِي تَارِيْخِهِ، عَنْ هَمَامِ بْنِ الْحَارِثِ، قَالَ: دَخَلْتُ مَسْجِدَ الْمَدِينَةِ فَإِذَا النَّاسُ مُجْتَمِعُونَ عَلَى عُثْمَانَ وَإِذَا رَجُلٌ يَمْدَحُهُ، فَوَثَبَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ فَأَخَذَ (۱) كَفَّاً مِنْ حَصَّاً أَوْ تُرَابٍ فَأَخَذَ يَرْمِيهِ بِهِ فَرَأَيْتُ عُثْمَانَ يَتَقَبَّلُهُ بِيَدِهِ.

وَذَكْرُ فِي تَارِيْخِهِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ

ص: ۵۸

۱- فی س: و أخذ.

الْمُسَيْبِ، قَالَ: لَمْ يَكُنِ الْمِقْدَادُ يُصَلِّي مَعَ عُثْمَانَ وَ لَا يُسَمِّيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ.

وَ ذُكِرَ، عَنْ سَعِيدٍ أَيْضًا، قَالَ: لَمْ يَكُنْ عَمَارُ وَ لَا الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ يُصَلِّيَانِ خَلْفَ عُثْمَانَ وَ لَا يُسَمِّيَانِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ.

شقفى در تاریخش از همام بن حارت روایت می کند که گفت: به مسجد مدینه رفتم و ناگاه دیدم که مردمان به گرد عثمان حلقه زده اند و دیدم کسی او را مدح و ستایش می نمود و ناگاه مقداد بن الاسود برجست و مشتی سنگریزه یا خاک برداشت و شروع کرد به زدن آن مرد و دیدم که عثمان با دستانش از وی حمایت می کرد. وی در تاریخش از سعید بن المسیب نیز روایت می کند که مقداد بن الاسود با عثمان نماز نمی گزارد و او را امیر المؤمنین نمی نامید و نیز از سعید روایت می کند که گفت: عمار و مقداد بن الاسود پشت سر عثمان نماز نمی گزاردند و او را امیر المؤمنین نمی خواندند.

كتابنامه

۱. عنوان و نام پدیدآور : امام علی(ع) و ارکان اربعه (سلمان، ابوذر، مقداد، عمار) : نقش ارکان اربعه در تبیین جانشینی امام علی (ع)/ فاطمه خسروی.

مشخصات نشر : اصفهان: انتشارات امیر فدک، ۱۳۹۹.

۲. عنوان و نام پدیدآور : اولین تک سوار: جناب مقداد بن عمرو/ نگارش مهدی وحیدی صدر؛ تصویر گر طیبه توسلی.

مشخصات نشر : تهران: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، معاونت امور فرهنگی، ۱۳۸۷.

۳. عنوان و نام پدیدآور : حبیب بن مظاہر اسدی و مقداد نخستین سوار سلحشور اسلام [کتاب]/ حمیده سیوندی.

مشخصات نشر : تهران: هفت اختر اندیشه، ۱۳۹۳.

۴. عنوان و نام پدیدآور : داستان دلاوری های مقداد و

مالک اشتر ... [كتاب] / مهدی جعفر علی؛ ویراستار محسن ماجراجو.

مشخصات نشر : قم: اصحاب، ۱۳۹۲.

۵. عنوان و نام پدیدآور : داستان مقداد / نویسنده لطف الله شیرین زبان.

مشخصات نشر : تهران: زعیم، ۱۳۸۷.

كتاب حاضر ادامه‌ی کتاب "شاه قالی باف" اثر مولف است.

موضوع : مقداد بن عمرو، ۳۷ قبل از هجرت - ۳۳ق.

۶. عنوان و نام پدیدآور : دوست امام علی علیه السلام : مقداد / مجید ملامحمدی؛ تصویرگر اسماعیل چشrix؛ ویراستار علی باباجانی.

مشخصات نشر : قم: کتاب جمکران، گنجشک‌های جمکران، ۱۳۹۹.

۷. عنوان قراردادی : المقادد بن عمرو الكندي: قبس من حیاه الصحابی المقادد (رض) .فارسی

عنوان و نام پدیدآور : زندگی نامه‌ی مقداد / پدیدآور سید کمال ؛ مترجم نرگس بیگدلی ؛ تصویرگران الهام مرتضی، سولاف عباس.

مشخصات نشر : تهران : آشنايی، ۱۳۹۹.

۸. عنوان و نام پدیدآور : سیماei مقداد / بقلم محمد محمدی اشتهرادی.

مشخصات نشر : قم: پیام اسلام، [۹۱۳۵۱].

۹. عنوان و نام پدیدآور : صحابه‌ی پیامبر (ص): مقداد نخستین سوار سلحشور اسلام و حبیب بن مظاہر [كتاب] / اکرم عزتی.

مشخصات نشر : تهران: سفیر رشد، ۱۳۹۳.

۱۰. عنوان و نام پدیدآور : طلايه داران آفتاب (ابوذر غفاری، عمار یاسر ، سلمان فارسی، مقداد کندي)/گردآوری عمران علیزاده.

مشخصات نشر : قم: رسالت، ۱۳۸۶.

۱۱. مقداد/محمد کامرانی اقدام

مشخصات نشر : قم: حدیث نینوا، ۱۳۸۶

۱۲. مشخصات نشر : قم: آزادی، [۱۳].

مقداد [كتاب]/ابوشهاب

۱۳. عنوان و نام پدیدآور : مقداد/تصویرسازی فاطمه پارسا ؛ تصویرسازی آتلیه محمدی فرد.

مشخصات نشر : تهران: شبرنگ، ۱۳۸۸.

مقدادبن عمرو، ۳۷ قبل از هجرت - ۳۳ق.

۱۴. عنوان و نام پدیدآور : مقداد [كتاب]/ بازنويسي سعيد سعادت ؛

ص: ۶۰

فاطمه مسچی.

مشخصات نشر : قم: کتاب جمکران، گنجشک های جمکران، ۱۳۹۶.

۱۵. عنوان و نام پدیدآور : مقداد/ بازنویسی زهرا عبدالی ؛ تصویر گر نیلوفر مس چی.

مشخصات نشر : قم: کتاب جمکران، گنجشک های جمکران، ۱۳۹۷.

۱۶. عنوان و نام پدیدآور : مقداد/ گردآوری و تنظیم مهدی علی فاسمی.

مشخصات نشر : تهران: لوح نگار، ۱۳۹۳.

یادداشت : عنوان روی جلد: مقداد بن الاسود.

۱۷. مقداد [کتاب]/تدوین واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران ؛ تصویر گر فرشته ارکیا.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۱.

فروست : اسوه های بصیرت

یادداشت : این کتاب در سال های ۱۳۹۱ - ۱۳۹۷ تجدید چاپ شده است .

یادداشت : عنوان دیگر: زندگانی مقداد

۱۸. عنوان و نام پدیدآور : مقداد ابن عمرو / مولف کمال السید؛ ترجمه نثار احمد زین پوری.

مشخصات نشر : قم: انصاریان پلیکشتر، ۱۴۱۷ق.= ۱۳۷۵.

یادداشت : اردو

یادداشت : عنوان اصلی: المقداد بن عمرو

۱۹. طالعی، عبدالحسین، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور : مقداد بن اسود/ نویسنده عبدالحسین طالعی؛ ویراستار مهدی شیزری.

مشخصات نشر : تهران : ریحان ، ۱۳۸۶.

۲۰. عنوان و نام پدیدآور : المقداد بن عمر/ اعداد فواد حمدو الدقس؛ مراجعه احمد عبدالله فرهود

مشخصات نشر : حلب : دارالقلم العربی ، ق ۱۴۱۸ = ۱۹۹۷ م. = ۱۳۷۶.

۲۱. عنوان و نام پدیدآور : المقداد بن عمرو / و اعداد حلمی علی شعبان

مشخصات نشر : بیروت.

۲۲. عنوان و نام پدیدآور : یاران محمد (ص) سرگذشت مقداد - سهل - عثمان بن مظعون - جابر / علی محمد علی دخیل؛

ترجمه و تحقیق عباس به نژاد

مشخصات نشر : تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهش و آموزش، ۱۳۸۳.

ص: ۶۱

درباره مرکز

بسمه تعالیٰ

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعة و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

